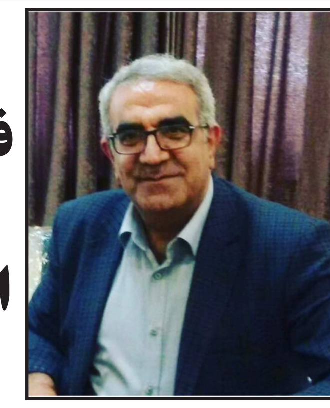
نسیم جنوب

www.nasimjonoub.com

سال بیست و دوم- شماره ۸۹۳ دوشنبه ۳۱ تیر ۱۳۹۸ - ۸ صفحه - ۱۰۰۰ تومان



گزارش های فساد هر روزه و خطر بی اعتنایی مردم

دکتر سعید معدنی

صفحه۶



مدیر کل بهزیستی استان بوشهر:

۷۶ هزار نفر تحت پوشش خدمات حمایتی بهزیستی استان بوشهر هستند

صفحه۲



ترنم نشاط و شادابی بر بام مدرسه سعادت

صفحه ۴



نقش بندی تاریخی پارس، بر جهان کروی

علیرضا مشایخ

صفحه ۸

نسیم جنوب

خبر

شماره ۸۹۳ دوشنبه ۳۱ تیر ۱۳۹۸

NASIM JANOUB

استاندار بوشهر:

مجموعه نفت به مسئولیت‌های اجتماعی خود عمل کند



استاندار بوشهر گفت: مجموعه نفت باید در راستای وظیفه اجتماعی خود در شهرهایی که پروژه‌های نفتی اجرا می‌کنند به محیط پیرامونی خود نیز توجه ویژه ای داشته باشد.

به گزارش خبرنگار مهر، عبدالکریم گراوند در نشست با مدیران مناطق نفت خیز جنوب اظهار داشت: با توجه به اینکه طرح‌های مختلف در حوزه نفت و گاز در شمال استان در حال انجام است باید به مسائل زیست محیطی نیز توجه ویژه شود.

وی با بیان اینکه مجموعه نفت باید به مسئولیت‌های اجتماعی خود عمل کند، افزود: مجموعه نفت باید در راستای وظیفه اجتماعی خود در شهرهایی که پروژه‌های نفتی اجرا می‌کنند به محیط پیرامونی خود نیز توجه ویژه ای داشته باشد.

استاندار بوشهر تصریح کرد: یکی از طرح‌هایی که بنا بود با اعتبارات نفت اجرا شود، ورودی شهر گناوه است که باید طبق زمان مقرر تعهد خود را انجام دهد.

گراوند به همکاری فرمانداری گناوه با شرکت نفت و گاز گچساران که بخشی از طرح‌هایشان در محدوده استان بوشهر است اشاره کرد و خاطرنشان کرد: شرکت مناطق نفت خیز جنوب و شرکت نفت گچساران جهت حفاظت از لوله‌های گاز و نفتی که در محدوده استان بوشهر است نیروی انسانی در نظر بگیرد و فرمانداری گناوه نیز همکاری لازم را داشته باشد.

مدیرکل بهزیستی استان بوشهر:

۷۶ هزار و ۶۴۱ نفر تحت پوشش خدمات حمایتی بهزیستی استان بوشهر هستند



هم اکنون ۷۶ هزار و ۶۴۱ نفر تحت پوشش خدمات حمایتی بهزیستی استان بوشهر هستند و سه هزار نفر نیز پشت نوبت قرار دارند.

مدیرکل بهزیستی استان بوشهر در نشست شورای اداری استان بوشهر افزود: از سال ۱۳۹۶ مستمری افراد تحت پوشش این سازمان ۳.۵ برابر شده که این افزایش نسبت به ادوار گذشته بسیار چشمگیر است.

علی پولادی ریشهری افزود: بهزیستی استان بوشهر اکنون در حوزه توانبخشی ۲۲ هزار و ۸۵۳ نفر تحت پوشش دارد که از این شمار ۱۹ هزار و ۱۰۰ نفر به علت اختلالات ژنتیکی و مادرزادی و مابقی نیز به علت تصادفات نیازمند خدمات توانبخشی هستند.

وی اضافه کرد: در حوزه زنان سرپرست خانوار نیز هم اکنون پنج هزار و ۴۹ نفر زیر پوشش هستند که با احتساب جمع خانواده‌ها جمعیت آنان به ۱۶ هزار و ۵۷۹ نفر می رسد.

مدیرکل بهزیستی استان بوشهر یادآور شد: برای تأمین مسکن افراد زیر پوشش در سال گذشته ۳۵۳ واحد به تک معلولان و زنان سرپرست خانوار و ۶۲ واحد نیز برای خانواده های دارای ۲ معلولی در استان بوشهر واگذار شد.

پولادی ریشهری بیان کرد: با حمایت‌های ویژه استاندار تفاهم نامه های ساخت مسکن مددجویان و معلولان به تعداد ۳۰۰ واحد و نخستین مجتمع فرهنگی رفاهی و آموزشی تراز معلولان کشور در بوشهر تدوین شده که انتظار می‌رود عملیات اجرایی آنها بزودی آغاز شود.

وی ادامه داد: پارسال ۳۸ هزار و ۱۲۸ نفر کودک در طرح غربالگری زیر پوشش طرح تنبلی چشم قرار گرفتند که در این زمینه چهار مرکز مشاوره ژنتیک فعال است.

پولادی ریشهری افزود: در حوزه غربالگری شیرخواران و نوزادان در بخش شنوایی سنجی در سال گذشته ۱۷ هزار و ۴۱۰ نفر تحت پوشش قرار گرفتند.

وی بیان کرد: همچنین پارسال ۲۰۱ مورد کودک آزاری در استان بوشهر گزارش شد که در این زمینه ۲۱ مورد به شکل جسمی، ۹۱ مورد عاطفی و ۸۷ مورد به صورت غفلت و نادیده انگاری کودک بوده است.

پولادی ریشهری اضافه کرد: از مجموع ۲۰۱ کودک آزاری گزارش شده در سطح استان ۱۷۷ مورد آن در بوشهر رخ داده است.

وی گفت: از این کودکان ۵۶ کودک از طرف پدر، ۴۲ نفر از طرف مادر، ۲۲ کودک از طرف خواهر و برادر و مابقی توسط افراد دیگر مورد آزار و اذیت قرار گرفتند.

پولادی ریشهری اظهار داشت: از مجموع افراد آزاردهنده کودکان در استان بوشهر ۲۸ نفر بی سواد، ۵۰ نفر دارای مدرک ابتدایی، ۱۰۴ نفر تحصیلات راهنمایی تا دیپلم و ۱۹ نفر نیز با تحصیلات بالای دیپلم بودند.

مدیرکل بهزیستی استان بوشهر در ارتباط با کودک آزاری اخیر در بوشهر بیان کرد: مجموعه بهزیستی استان در این زمینه به طور کامل به وظیفه خود عمل کردند.

پولادی ریشهری ادامه داد: در این ارتباط از تمامی رسانه‌های استان و کشور بابت انعکاس درست و واقعی مطالب قدردانی می‌شود هر چند که برخی از افراد هم نسبت به انعکاس وقایع اغماض ورزیدند.

وی گفت: همچنین در یکسال گذشته در حوزه همسرآزاری در این استان ۲۱۷ مورد گزارش شد که در این زمینه ۸۲ مورد به علت تندخویی در محیط خانواده، ۶۱ مورد به دلیل اعتیاد و ۵۴ مورد به دلیل بیکاری بوده است.

مدیرکل امور روستایی و شوراهای استانداری بوشهر:

روند پرداخت تسهیلات اشتغال روستایی استان بوشهر مطلوب است



مدیرکل امور روستایی و شوراهای استانداری بوشهر گفت: روند پرداخت تسهیلات و پیشرفت طرح‌های اشتغال مطلوب است.

فاطمه دهقانی در گفت‌وگو با خبرنگار مهر اظهار داشت: ایجاد اشتغال پایدار و رفع معضل بیکاری در مناطق روستایی از اولویت‌های اساسی است و در این مسیر از همه ظرفیت موجود بهره می‌بریم.

مدیرکل امور روستایی و شوراهای استانداری بوشهر با اشاره به پرداخت تسهیلات اشتغال روستایی در استان خاطرنشان کرد: با عنایت به تخصیص مبلغ ۲۵۰ میلیارد ریال اعتبار از محل موضوع تفاهم نامه معاونت توسعه روستایی و مناطق محروم کشور، بنیاد علوی و بانک سینا در سال ۹۷ و فرصت محدود باقی مانده برای جذب اعتبارات فوق، جلسه بررسی آخرین وضعیت پرونده‌های معرفی شده به بانک با دعوت از متقاضیان، دستگاه‌های اجرایی ذیربط و بانک سینا به ریاست معاون هماهنگی امور عمرانی استانداری تشکیل و به بررسی موانع و مشکلات تحقق طرح‌های اشتغال معرفی شده به بانک سینا پرداخته شد.

وی با اشاره به روند مطلوب پرداخت تسهیلات و پیشرفت طرح‌های اشتغال مذکور ابراز داشت: ۳۴ طرح شامل ۱۱ طرح در حوزه جهاد کشاورزی، ۳ طرح حوزه راهداری، ۷ طرح شیلات، ۹ طرح صنایع و معادن، ۲ طرح میراث فرهنگی، یک طرح محیط زیست و یک طرح در حوزه علوم پزشکی است.

وی از ایجاد ۳۱۳ شغل جدید در روستاهای استان بوشهر خبر داد و تصریح کرد: امیدوار هستیم تا پایان تیرماه با جذب تمام سهمیه تخصیص یافته به استان، شاهد ایجاد ۳۱۳ فرصت شغلی جدید در روستاهای استان باشیم.

مدیرکل امور روستایی و شوراهای استانداری بوشهر گفت: از مجموع تسهیلات فوق بیشترین میزان اشتغال و مبلغ تسهیلات درخواستی مربوط به طرح‌های حوزه صنایع و معادن با ۱۳۰ فرصت شغلی جدید است.

پارک لیان بوشهر ظرفیت جدید گردشگری بندر زیبای بوشهر

به گزارش واحد خبر و رسانه مدیریت ارتباطات و امور بین الملل شهرداری بندر بوشهر، سیدنورالدین امیری شهردار بندر بوشهر پارک لیان بوشهر را به عنوان ظرفیت جدید گردشگری و تفریحی در بندر زیبای بوشهر عنوان کرد.

سیدنورالدین امیری با اشاره به اینکه خوشبختانه استان و شهر بوشهر دارای ساحلی زیبا و منحصربفرد می باشد، تصریح کرد: این ظرفیت خدادادی سبب شده تا قابلیتهای سرمایه گذاری ویژه ای برای بندر زیبای بوشهر فراهم گردد.

وی افزود: با توجه به رویکرد مجموعه مدیریت شهری در خصوص توزیع مناسب و عدالت محور امکانات در سطح شهر بوشهر و همچنین توجه به محلات جنوبی و ایجاد توسعه متوازن و توانمندسازی محلات کمتر برخوردار، اجرای فاز اول پروژه پارک لیان عملیاتی شده است. امیری تصریح کرد: فاز اول این پروژه با اعتباری معادل



۸ میلیارد ریال از محل دارایی های سرمایه ای می باشد و مشاور طراحی و نظارت (شرکت مهندسین مشاور نقش پایدار) و پیمانکار (شرکت نو پرور) که در مدت ۴ ماه به بهره برداری خواهد رسید.

امیری در پایان خاطرنشان کرد: این پارک به عنوان ظرفیت جدید گردشگری ساحلی با ایجاد محیطی شاد و مفرح در شهر بوشهر محسوب می شود که مردم و شهروندان عزیز می توانند برای گردش و تفریح به ویژه استفاده از دریا و قابلیت های آن بهره مند شوند.

بدیهی است در این پروژه خاکبرداری به حجم ۴۵۱۲ مترمکعب، خاکریزی به حجم ۲۸۰۷ مترمکعب، محوطه سازی به مساحت ۱۸۷۵مترمربع، دیوارکشی به مساحت ۱۱۴۲مترمربع، اجرای فضای سبز به مساحت ۴۳۶۹ مترمربع، احداث ۸ چشمه سرویس بهداشتی ۱۴۶مترمربع، بتن ریزی به حجم ۸۳۴/۳۲ مترمکعب، اجرای ۲۶۲۱ متر طول سنگ جدول، نصب نیمکت و سطل زباله و آلاچیق، انجام می پذیرد.

۳۰۰ خانه برای مددجویان بهزیستی بوشهر ساخته می‌شود

بر اساس تفاهم نامه منعقد شده میان عبدالکریم گراوند استاندار بوشهر و وحید قبادی دانا رئیس سازمان بهزیستی کشور ۳۰۰ واحد مسکونی برای مددجویان این نهاد در استان احداث می شود.

استاندار بوشهر گفت: با احداث این واحدهای مسکونی بخش زیادی از مشکلات خانواده های دارای افراد معلول در استان حل می شود.

عبدالکریم گراوند در نشست با مدیرکل و معاونان سازمان بهزیستی استان بوشهر به مناسبت هفته بهزیستی افزود: کار در بهزیستی سختی‌های مخصوص به خود را دارد و با توجه به جامعه هدف خاصی که بهزیستی دارد، فعالیت متولیان امر در این بخش قابل تقدیر است.

وی با تاکید بر ارائه خدمات مطلوب به جامعه هدف بهزیستی در زمان مقرر بیان کرد: باید در



موضوع سلامت جامعه هدف بهزیستی برنامه ریزی لازم انجام و کارهای خوب انجام شده در این بخش را تداوم داد.

استاندار بوشهر تصریح کرد: با توجه به حجم کارهای انجام شده در بهزیستی نباید اجازه داد با یک سهل انگاری خدمات انجام شده تخریب شود.

گراوند ادامه داد: مسئولیت بهزیستی سنگین است و باید با دقت و حوصله امور مربوط به حوزه های مختلف پیگیری شود.

وی با تاکید بر رسیدگی به مشکل مسکن مددجویان تحت پوشش بهزیستی اظهار داشت: استاندار بوشهر گفت: احداث ۳۰۰ واحد مسکونی ویژه سازمان بهزیستی استان، بخش زیادی از مشکلات خانواده های دارای افراد معلول را حل خواهد کرد.

مدیرکل بهزیستی استان بوشهر گفت: در زمان حاضر ۷۶ هزار و ۶۴۱ نفر زیر پوشش این نهاد حمایتی در استان هستند و این سازمان ۱۵۰ مسئولیت در قبال جامعه هدف خود دارد.

علی پولادی ریشهری افزود: سال گذشته ۹۱۹ فرصت شغلی در استان بوشهر برای مددجویان بهزیستی فراهم و از اول سال تاکنون نیز ۶۶۷ واحد مسکونی به مددجویان بهزیستی استان واگذار شده است.

مدیرکل تامین اجتماعی استان بوشهر:

نزدیک به ۸۳ درصد جمعیت استان بوشهر تحت پوشش بیمه تامین اجتماعی هستند

به گزارش نسیم جنوب عبداله شیرکوند در نشست مطبوعاتی بیان کرد: اداره کل تأمین اجتماعی استان بوشهر دارای ۱۵ شعبه اصلی، ۸ کارگزاری و ۱۶ شعبه اقماری است که مجموعاً دارای ۳۲۱۹۲۸ نفر بیمه شده اصلی که ۸۶ درصد اجباری و ۱۴ درصد اختیاری و مشاغل آزاد و... بوده است که با در نظر گرفتن افراد تبعی به میزان ۹۰۰ هزار نفر را تحت پوشش قرار می دهد.

عبداله شیرکوند اظهار داشت: ارتباط و تعامل با شرکای اجتماعی در استان بوشهر بسیار مطلوب است. جلسات متعددی با تشکلات کارگری و کارفرمایی، خانه کارگر و همچنین کانون بازنشستگی به منظور بررسی مشکلات آنها برگزار گردیده است. و همچنین ارتباط با مراجع برون سازمانی از جمله استاندار بوشهر نیز بسیار مطلوب بوده است.

مدیرکل تامین اجتماعی استان بوشهر گفت: استان بوشهر به دلیل هم مرز بودن با آبهای نیلگون خلیج فارس به طول ۹۰۰ کیلومتر، مشاغل صیادی و ملوانی گسترده بوده است به طوری که در حال حاضر تعداد بیمه شدگان ملوان در سطح استان بوشهر تعداد ۱۳۳۲۴ نفر را داراست. در استان بوشهر کارگران در دو بخش لنج ها و قایق های ماهیگیری و لنجهای باربری مشغول به کار می باشند.

وی در ادامه مهمترین مشکل و درخواست ملوانان و صیادان را تعداد روزهای کارکرد آنها عنوان کرد و گفت: روزهای کارکرد این عزیزان با توجه به مانیفیست تنظیمی و ثبت تاریخ روزهای ورود و خروج در اسکله و پایانه مشخص می شود. بسیاری از آنها علیرغم سن بالا، دارای سابقه کمی می باشند و در نتیجه متقاضی پرداخت حق بیمه خود به صورت انفرادی می باشند که البته می بایست مراتب از سوی ستاد سازمان مورد رسیدگی و بررسی قرار گیرد.

عبداله شیرکوند اظهار داشت: در استان بوشهر بیش از ۳۲۰ هزار نفر بیمه شدگان اصلی سازمان تامین اجتماعی هستند که تعداد ۲۸۰۷۶ مستمری بگیر تا پایان مرداد امسال می باشند که در همین سه ماهه ابتدای سال حدود ۱۶۰ میلیارد تومان فقط به این عزیزان مستمری پرداخت شده است.

وی پوشش بیمه ای در سطح استان بوشهر را بسیار مطلوب دانست و گفت: نزدیک به ۸۳ درصد جمعیت استان بوشهر تحت پوشش بیمه تامین اجتماعی هستند.

مدیرکل تامین اجتماعی استان بوشهر مجموع کارگاههای تحت پوشش استان را ۲۰۶۳۰ کارگاه برشمرد و گفت: در سطح استان بوشهر ۸۴۸۷ کارگاه با نرخ ۲۷ درصد کامل داریم که حق بیمه را به صورت کامل پرداخت می کنند و۶۹۴۰ کارگاههای معافیت دار هستند و ۵۲۰۰ پیمان داریم که در مجموع ۱۱۶۰ کارگاه بالای ۵۰ نفر کارگر در سطح استان وجود دارد.



وی گفت: متوسط دستمزد در استان بوشهر یک میلیون و هشتصد و شصت هزار تومان است. و تعداد مستمری بگیران این استان را میزان ۲۷۸۶۳ نفر دانست. و ضریب پشتیبانی استان بوشهر به میزان ۱۲/۳ بوده که بیشترین درصد در سطح کشور را به خود اختصاص داده که در واقع نسبت منابع و مصارف در این استان دارای وضعیت مناسبی است.

عبداله شیرکوند در ادامه خاطرنشان کرد: احکام مطالباتی که به صورت اینترنتی و الکترونیکی ابلاغ می شود ۷۱ درصد است. ۱۳۸۵۳ نفر نیز کارگر ساختمانی در سطح استان بوشهر وجود دارد که حق بیمه آنها را پرداخت می کنند. با این پوشش بیمه ای گسترده که در سطح کشور وجود دارد به تبع اگر مراجعین عزیز هر روز بخواهند حضوری به سازمان مراجعه نمایند طبیعتا مشکلات زیادی را هم برای خودشان و هم برای همکاران ما در شعب بوجود می آید. وی همچنین تصریح کرد: طرحی سازمان به نام طرح دکتر نوربخش نامگذاری کرد که در این طرح کل خدمات الکترونیک سازمان در قالب غیر حضوری به بیمه شدگان ارائه گردد. که در حال حاضر این طرح در حال انجام است و الان حدود ۵۶ خدمت در این طرح که ۶ تا آن به صورت غیرحضوری و ۵ تا به صورت نیمه حضوری و بقیه آن به صورت استعلامی می باشد. که مردم بدون مراجعه به سازمان تامین اجتماعی می توانند از طریق سامانه eservises. ir وارد شوند و از مزایای این طرح استفاده کنند و این درگاه الکترونیکی شامل کارفرمایان، مستمری بگیران، بیمه شدگان و همکاران می شود. که استان بوشهر با ده هزار رکورد رتبه اول کشور را از سوی استفاده از خدمات طرح غیرحضوری دکتر نوربخش از مرحله دوم به خود اختصاص داد و این نشان دهنده این است که مردم به دنبال خدمات غیرحضوری هستند.

وی در پایان سخنان خود مهمترین اقدامات انجام شده در سازمان اشاره کرد. که از مهمترین این اقدامات عبارتند از: جذب پوشش حداکثری بیمه شدگان در سطح استان، جذب حداکثری کارفرمایان در ارسال لیست و انجام دیدارهای مردمی در شعب به جهت بررسی مشکلات کارفرمایان، بیمه شدگان، مستمری بگیران و همکاران، بازسازی فیزیکی داخل شعبه خورموج، دیر، دلوار و گناوه.

مراکز درمانی مدیریت درمان سازمان تامین اجتماعی در خدمت مردم استان بوشهر



به گزارش نسیم جنوب دکتر یلدا دارابی در نشست مطبوعاتی خود گفت: مدیریت درمان سازمان تامین اجتماعی بوشهر با در اختیار داشتن ۳ بیمارستان و ۷ درمانگاه خدمات متنوع درمانی در حوزه درمان مستقیم به مردم شریف استان بوشهر ارائه می کند. بیمارستان سلمان فارسی بوشهر، بیمارستان مهر برازجان، بیمارستان نبی اکرم (ص) عسلویه و درمانگاه های مبعث بوشهر، امام موسی کاظم (ع) برازجان، شهید مطهری گناوه، نهم دی دیلم، بوعلی کنگان، غدیر دیر، امام جواد (ع) جم مجموع مراکز درمانی مستقیم تحت مدیریت درمان سازمان تامین اجتماعی می باشند. همچنین این مدیریت در حوزه درمان غیرمستقیم با ۵۶۱ مرکز قرارداد دارد تا بتواند به بهترین نحو در حوزه درمان خدمات ارائه نماید.

وی در ادامه مهمترین اقدامات انجام شده در حوزه های مختلف این مدیریت در سال ۹۷ در حوزه درمان، محور خدمات حوزه تشخیصی، محور توسعه سیستم های مدیریتی نوین، محور توسعه منابع انسانی، محور توسعه عملکرد اشاره کرد و گفت: در حوزه ی درمان توسعه بیمارستان سلمان فارسی بوشهر، شروع عملیات احداث ساختمان اصلی پروژه درمانگاه امام جواد (ع) جم، پیگیری توسعه بیمارستان نبی اکرم (ص) عسلویه، بهسازی و نوسازی واحد پذیرش و داروخانه و اتاق معاینات پزشکان پلی کلینیک مبعث بوشهر، توسعه بیمارستان مهر برازجان، شروع عملیات احداث ساختمان اصلی پروژه درمانگاه غدیر دیر، بهسازی و نوسازی واحد تزریقات و پانسمان و پذیرش پلی کلینیک شهید مطهری گناوه، شروع عملیات احداث درمانگاه عمومی خورموج، پیگیری احداث درمانگاه عمومی دلوار، پیگیری احداث ساختمان جدید درمانگاه دیلم، شروع عملیات احداث ساختمان اصلی پروژه پلی کلینیک امام موسی کاظم (ع) برازجان از اقدامات صورت گرفته در سال ۹۷ می باشد.

یلدا دارابی همچنین از جذب پزشک و تکمیل کادر تخصصی مراکز با رشد بیش از ۶۰ % نسبت به سال ۹۶ (از ۳۷ به ۶۱ نفر) و جذب ۵۰ نفر کادر پرستاری و نیز تعداد تخت های بیمارستان های استان را ۲۵۷ تخت اشاره کرد که نسبت به سال قبل ۲,۳۹% افزایش داشته است.

وی درصد (ضریب) اشغال تخت میانگین استانی در سال ۹۷ را حدود ۸۵,۴۵ درصد دانست در حالی که در سال ۹۶ این رقم ۸۱,۹۵ درصد بوده است. (نرمال کشوری ۷۴,۷ درصد) و نیز شبانه روزی شدن پلی کلینیک شهید مطهری گناوه و توسعه خدمات درمانی بیمارستان مهر برازجان در حوزه جراحی عمومی، ارولوژی، چشم پزشکی، کلینیک قلب و عروق و گوش و حلق و بینی و راه اندازی بخش اطفال را از جمله اقدامات سال ۹۷ برشمرد.

مدیر درمان تامین اجتماعی استان بوشهر مجموع مراجعین سرپایی را که شامل: (ویزیت، پاراکلینیک، جراحی سرپایی، مامایی و ...) به درمان مستقیم از حدود ۳,۵۲۵,۹۱۵ نفر در سال ۹۶ به بیش از ۳,۷۰۷,۴۱۵ نفر در سال ۹۷ رسیده است که نسبت به مدت مشابه سال قبل رشد حدود ۵,۱۵ درصد داشته است. (در حالی که نرمال رشد کشوری ۴,۲ درصد می باشد).

یلدا دارابی تصریح کرد: در حوزه آموزش و پژوهش در زمینه برگزاری دوره های آموزشی عمومی و تخصصی به کادر ستادی و مراکز تابعه در سال ۹۷ در مجموع ۶۸۰ دوره آموزشی در قالب ۳۲۰ عنوان برگزار گردیده است در حالی که در سال ۹۶ این تعداد ۵۸۰ دوره آموزشی در قالب ۲۶۰ عنوان برگزار گردید که حاکی از رشد قابل ملاحظه در این حوزه می باشد.

سنتکام به دنبال رویای آلبو کرک در شاخاب پارس

دکتر محمود دهقانی - استرالیا

هم اکنون که شاخاب پارس با کرشمه کشورهای کوچک جای جولان ناوهای اروپایی و امریکایی شده گوشه بسیار کوچکی درباره پیشینه سیاسی دژهای آبخوست هرمز، قشم و لارک و یورش کشتی های جنگی اروپایی پرتغال در روزگار صفوی از هند به شاخاب پارس شاید بتواند ما را از گذشته، اکنون و آینده بیشتر آگاه کند. پس از آن که پرتغالی ها وارد سرزمین هند شدند "فرانسیسکو د آلمیدا" از سوی"مانول" یکم پادشاه پرتغال برای سر و سامان دادن پایگاه های بازرگانی در هند برگزیده شد. گسترش دامنه پایگاه در هند همزمان با فرمانروایی شاه اسماعیل یکم در سن ۲۰ سالگی بود. دریادار "آلفونسو د آلبو کرک" با شتاب با چندین ناو جنگی از هند وارد شاخاب پارس شد و در آبخوست های هرمز و قشم و لارک نیروهای خود را پیاده کرد. شاه اسماعیل یکم به سختی درگیر جنگ بود و با ازبک ها و امپراتوری عثمانی نبرد می کرد.

از آن روی پرتغالی ها ساختمان های سترگ دژهای نیروی دریایی فرامرزی خود را در ۱۵۰۷ میلادی برابر با ۹۱۳ هجری در قشم و هرمز و لارک بالا بردند. به دنبال آن "ابوالمظفر سیف الدین ابا نصر" فرمانفرمای جوان هرمز را نیز پس از خونریزی بسیار به فرمانبرداری خود درآوردند. چون شاه اسماعیل درگیر جنگ بود پرتغالی ها توانستند در شاخاب پارس جاگیر شوند. مردم هرمز با همه توان و ابزار نه چندان پیشرفته با زورگویان پرتغالی درافتادند. بندر گامبرون (بندرعباس) با جنب و جوش ملی خواب را بر زورگویان سخت کرده بود. پرتقالی ها با سوغاتی های بسیار "میگل فرییرا" را از سوی "آلبوکرک" به دربار شاه اسماعیل در تبریز پایتخت ایران صفوی آن روزگار فرستادند. گفتند اگر شاه بگذارد ابومظفر سیف الدین ابانصر فرمانبردار ما باشد در عوض به شاه در جنگ با امپراتوری عثمانی کمک می کنیم.

با همه فراز و فرودها زورگویان پرتغال توانستند بیش از یک سده در شاخاب پارس جاگیر شوند. با فروخفتن جنگ ازبک و عثمانی با امپراتوری صفوی در روزگار عباس یکم پنجمین شاه آن دودمان، در پی اندیشه ژرف فرمانروایی آن روزگار ایران، سرلشکر امام قلی خان فرزند الله وردی خان مسیحی مسلمان شده گرجی تبار کاکل ارتش صفوی بخش پارس، که تندیس او هم اکنون زیور آرای آبخوست قشم در شاخاب پارس است توانست شام محنت را به سرآورد و دژهای سترگ پرتغالی ها را در ۱۶۲۲ میلادی برابر با ۱۰۳۲ هجری با کمک ابزار جنگی خریداری شده از انگلیس و با پشتیبانی سیاسی آن ها فرو ریزد.

در روزگار کنونی نیز "سنتکام" امریکا دیگر چه بخواهد چه نخواهد، سنتکام ابرقدرت دیروز در خاورمیانه نخواهد بود. این کشور با مشت های سخت و سنگینی که در افغانستان و عراق و سوریه بر چانه اقتصادی اش خورد با همه توان و بازوی جنگی و تکنولوژی که دارد با احتیاط گام برداشته و خاکریز سنگر جنگی آینده خود را با کیسه و گونی اندوخته های کشورهایی بالا می برد که سرانجام روزی مزه زغنبوت رفتار و کردار امروز خود را در دادگاه اندیشه مردم خاورمیانه خواهند چشید.

رفتار کنونی امریکا و سعودی و یکی دو کشور کوچک همسایه به گونه جوجه های از تخم بیرون آمده عقاب است. جوجه ها بدون آگاهی از راست و ناراستی شاخه زیتون منقار عقاب به دنبال آن راه افتاده اند. با بالا و پایین شدن هر صدایی و با بد گمان شدن به مردم ایران، جوجه ها زیر بال عقاب کرک و اخمو فرو رفته و عقاب برای تسکین جوجه ها به پرخاشگری پرداخته تا برای سرکیسه کردن خاورمیانه بگوید جوجه هایش بی کس و کار نیستند. جوجه ها نیز از روی ترس همه اندوخته ها و درآمد سیم و زر آشیانه خود را در تشت زراندوز مادر گذاشته تا آن ها را در پی غرش این شیر سر برون آورده خشمگین پارسی زیر بال بگیرد.

سیاستمداران عربستان با ناشی گری نه تنها خنجر زهرآگین سیاسی را بر گلوی خود گذاشته اند بلکه درمانده به گونه ای هستند که کشتار ناشایست دگراندیشان درونی کشورشان نیز برای آنان کارساز نیفتاده است. تکه تکه کردن پیکر جمال خاشقچی نیز نتوانسته و نمی تواند آنها را از بلای توفان خیزی که برپا کرده اند بیرون بیاورد و گوشت پیکر بی گناه جمال خاشقچی سرانجام خورش قیمه ی عزای سیاسی آنان خواهد شد.

سیاستمداران امریکایی که به دنبال درآمد بوده و چشم بر این همه ستم بربسته اند نیز بدون هیچ گونه پرده پوشی برای سرکیسه کردن دوستان خود دریغ ندارند. گاه حرف هایی می گویند که دل ببر و پلنگ هم بر این سرگشتگان می سوزد. آقای ترامپ این بازرگان و برنامه دار تلویزیونی دیروز و رییس جمهور کنونی ایالات متحده امریکا هر چیز بدی که داشته باشد اما هنگام سخن گفتن از نوکیسگان آن ها را گاو شیر ده می نامد. او پروایی ندارد پس از رقص با شمشیر آخته هنگامی که با دست خادمین حرمین شریفین گردن بند طلا به گردنش آویخته می شود بگوید شاه پولدار است و باید سر کیسه را باز کند.

آن چیزی که به دنبال گفتار و نگاره ها و فیلم در رسانه های عصر الکترونیک توانسته است آینده شاهان و شاهکان خاورمیانه را تلخ تر از زهر کند دانشی است که نوجوانان و جوانان خاورمیانه عرب و بجز عرب در چمبره الکترونیک فرا گرفته و فرمانروایی بر نسل های آینده این کشورها را سخت و پر از دست انداز کرده است. این جوانان جنگ یک کشور پول دار عرب با یک کشور تهی دست عرب دیگر را می بینند و از خود پرسش هایی دارند که آتش این جنگ نابرابر با ملت کشور یمن که در پیشینه فرهنگی مادر عرب ها به شمار می آید، چرا خاموش نمی شود.

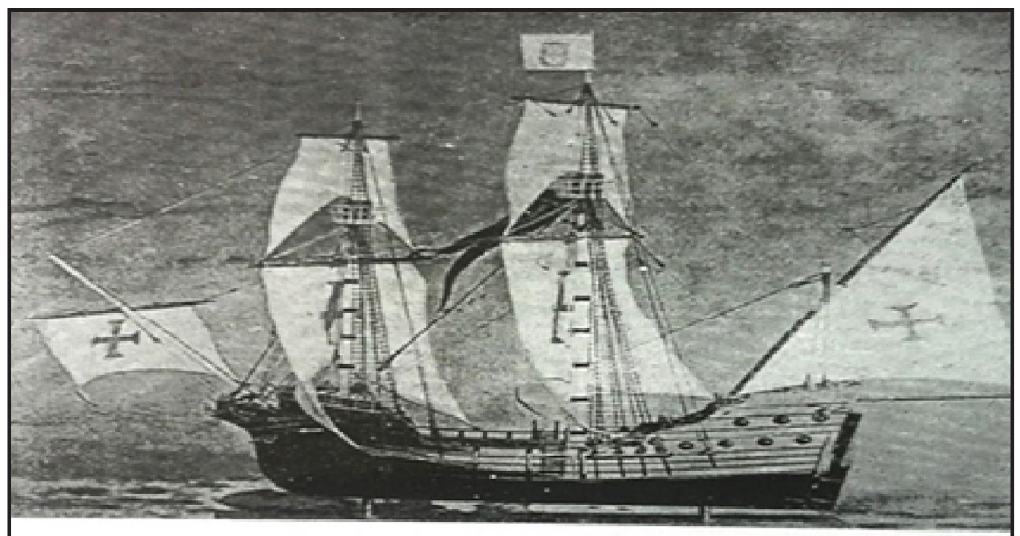
بیرون آمدن ناوها و ناوچه های شاهکان عرب در آب های شاخاب پارس و پر و بال گشایی از سوی ناوهای مادر پول پرست فرا سوی دریاها، تاریخ روزگار شتاب ناوهای "آلبو کرک" به شاخاب پارس را به یاد می آورد.



آنچه همه ما امروز در شاخاب پارس می بینیم چیز تازه ای نیست. سده در پی سده و دهه در پی دهه چه آن روزها که این دشت بارخیز نبود و چه امروز که با دلارهای نفتی آذرخش سیاسی به پا شده و قارچ و قارچک هایی روییده، تازگی ندارد. تلاش نابرابر زورگویان، دین و بی دینی هم نمی شناسد چرا که چشم آزمند آن ها امروز گشوده نشده و آن ها همیشه در پی تاراج منابع خاورمیانه بوده اند. روزی ملت های عرب را از ترس لولوی چپ گرای جمال عبدالناصر و غول کمونیست روسیه و امروز نیز از ترس فرمانروایی مثلث شیعی، سر کیسه می کنند.

در این آشفته بازار دیرینه بنیاد، اندیشمندان خاورمیانه نیز از پا ننشسته و هر دسته و گروهی در گوشه و کنار خاورمیانه سر برون آورده و نه تنها گروه های دشمن ساخته را در خاورمیانه از پا درآورده اند بلکه می رود تا فرش قرمز شاه و شاهکان خاورمیانه را از زیر پای سردمداران امریکا نیز بیرون بکشند. به هر روی کارزار اندیشه سیاسی مردم خاورمیانه وارد به گستره ای نو شده است.

از این روی ورشکسته گان به تقصیر سردرگریبان، خود را به آغوش بدنام ترین جنگ افروزجهان، جان بولتون انداخته اند. به گواه تاریخ آن ها ره به جایی نخواهند برد و ملت ایران با دوری گزینی از جنگ و بدون هدر دادن نیروی بازوی ملی، اما با هشیاری و با اندیشه ای ژرف این بار نیز پیروز این کارزار خواهند بود. آینده خاورمیانه از جهان پیرامون جدا نیست و به هر روی می رود تا در سایه دانش، پله به پله زورگویان را عقب براند.



VASCO DA GAMA'S SHIP "S. GABRIEL"
From "Noticia Sobre a Nao S. Gabriel, etc.," Lisbon
These illustrations were kindly lent by the author

همان گونه که گفته شد گردنکشی زورگویان جهانی در شاخاب پارس، امروز آغاز نشده و پیشینه ای دراز دارد. پرتغالی ها با فرمانبرداری فرمانفرمایان بومی شاخاب پارس نتوانستند در برابر نیروی ملی ایرانیان بایستند، نیروهای امریکایی نیز با شاه و شاهکان کم پاشنه خود، یارای ایستادگی نخواهند داشت. اما با پرهیز از جنگ نباید از آن ها غافل بود چرا که بنیاد سیاست ترامپ بر پایه دروغ استوار است. تنها دوستی با ملت ایران است که می تواند امریکا را از گیرودار خودساخته به گونه آنچه در عراق دامنگیرش شد، نجات دهد. در این پیچ و گردنه تاریخی با دوری جستن از جنگ و اندیشه ژرف ملی، امریکا نیز پس از چند دهه یکه تازی در شاخاب پارس ناچار است بار و بندیل خود را از این آبراه بربندد و به جای جلوگیری دارو برای کودکان ایران، روش ملایمی برگزیند.

بیکاری

امیر چمنی

از اساسی‌ترین مسائلی که آسیب‌های فجیع اجتماعی را همراه دارد، بیکاری‌ست. «بیکاری» رابطه مستقیم با «گرسنگی» دارد. بیکاری منجر به بی‌پولی، فقر، محرومیت، فساد، دزدی، شیوع افسردگی و خشم و عصبانیت و از این دست بحران‌ها در جامعه می‌شود. آدم بیکار، بی‌برنامه و بی‌نظم و بلاتکلیف است. همین‌ها کافی‌ست تا روان آدم را متلاشی کند.

در چند سال اخیر هر روز تعداد بیکاران به صورت وحشتناکی بالا رفته است. علاوه بر این که کار برای نسل جدید پیدا نمی‌شود و استخدامی به آن صورت در کار نیست، بلکه قبلی‌ها هم یا تعدیل و اخراج می شوند، یا اگر خودشان کارگاه و مغازه و شرکت کوچکی داشته‌اند، به دلیل رکود شدید اقتصادی با تعطیلی و ورشکستگی مواجه شده‌اند.

سالانه یک میلیون و دویست هزار نفر «جویای کار» به بازار کار ایران اضافه می‌شود. اگر به آمار و ارقام نگاهی بیندازیم، عمق فاجعه در مورد بیکاری عیان‌تر خواهد شد:

ـ به گزارش خبرگزاری "مهر" تنها در سه ماه ابتدایی سال ۹۶ بیش از ۱۶۰ هزار نفر به جمعیت بیکار ایران اضافه شده است.

ـ فرهنگی نماینده‌ی مجلس گفته است تنها در سه سال گذشته نرخ بیکاری در ایران ۱۰ درصد افزایش یافته است.



ـ عباسعلی ابونوری، اقتصاددان و رئیس سابق دانشکده اقتصاد تهران می‌گوید آمار رسمی مبنی بر بیکاری ۳ میلیون نفر در ایران واقعی نیست؛ با احتساب بیکاری پنهان، آشکار و افراد تحصیل کرده تعداد بیکاران ایران به ۱۵ میلیون نفر می‌رسد.

چند روز پیش یکی از دوستانی که چند ماه است از کار قبلی‌اش اخراج شده و یک ماه بیشتر است دنبال کار می‌گردد و تا این لحظه بی‌نتیجه مانده، جدا از تخصص چندساله‌اش به دنبال یک آگهیِ نگهبانی به محل مراجعه می‌کند. کارخانه‌ای به یکَ نگهبان نیاز داشت و این را به صورت آگهی منتشر کرده بود. اوضاع به گونه‌ای بود که فقط در آن روز نزدیک به ۶۰ نفر مراجعه کننده داشت. همین دوستی که سخت‌ترین روزها را می‌گذراند، اوضاع را به قدری وخیم و دهشتناک دیده بود که حتی فرم هم پر نکرده و آن‌جا را ترک کرده بود. می‌گفت خیلی از آن‌ها وضع‌شان به مراتب بدتر و اضطراری‌تر از من است. یک مورد پدر و پسر با هم آمده بودند که شانس‌شان بیشتر شود و هر کدام‌شان موفق شد استخدام شود، به نفع خانواده خواهد بود.

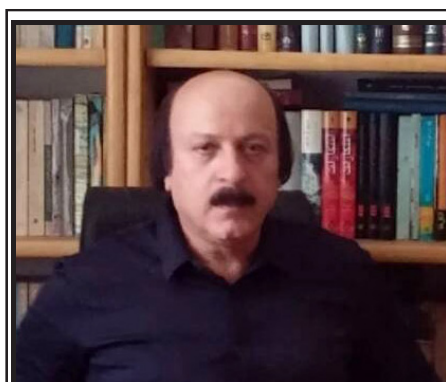
حالا شرایط کار چگونه بود؟ از ساعت ۵ عصر تا ۸ صبح فردا، یعنی ۱۵ ساعت در یک واحد بزرگ نگهبان خواهد بود. ۹۰۰ هزار تومان حقوق که از ماه سوم به بعد هم بیمه واریز خواهد شد. پنج شنبه و جمعه ۲۴ ساعته شیفت نگهبانی خواهد داشت و هر ماه فقط از یک روز مرخصی برخوردار خواهد بود. این شرایطِ ضدانسانی، عین برده‌داری و عین ستم است. حالاَ برای همین شرایط ظالمانه ۶۰ نفر به صف شده‌اند تا از تونل تحقیر مصاحبه جناب کارفرما عبور کنند.

این وضعیت «کار» در جامعه است. موارد متعددِ فجیع‌تر از این هم وجود دارد، با حقوق‌های ۳۰۰ الی ۵۰۰ هزار تومان، که نه بیمه پرداخت می‌شود، نه حرمت‌شان نگه داشته می‌شود. اگر کارگر، زن باشد انواع سوءاستفاده‌های جنسی را هم باید به آن اضافه کرد.

حال به مدد دولت که در دور اول «امید» داده بود با «تدبیر» ش در طول ۱۰۰ روز، اوضاع اقتصادی یعنی «گرسنگی» را سامان دهد، نه تنها در طول چهار سال موفق نشد، بلکه طرح‌های «ضد کارگری» همچون «کارورزی» را هم به آن اضافه کرده و در حالی که حداقل هزینه‌ی زندگی ماهانه‌ی یک خانوار متوسط حدود ۲.۵ میلیون تومان است، حداقل دستمزد سال ۱۳۹۶ برای کارگران را ۹۳۰ هزار تومان اعلام کردند. با ابقاء وزیر کار، از امنیتی‌ترین وزراء کابینه که توانایی «لوله کردن» اعتراضات کارگران نسبت به حق و حقوق تضییع شده توسطَ کارفرما و ماه‌ها بی‌حقوقی را دارد، در دولت دوم شاهد اوضاع بدتری در زندگی حدود ۵۰ میلیون نفر از مردم جامعه که «زیست کارگری» دارند، خواهیم بود.

ارزش اقتصادی کار زنان خانه دار

فرخ روزبهی



چندگانگی وظایف و تعدد نقش زنان در جامعه هر نوع ارزش گذاری اقتصادی در مورد نقش و موقعیت آن ها در فرایند رشد و توسعه را با مشکل مواجه می سازد. چون این ارزیابی ها مبتنی بر نگرش های آماری و مادی اند و صرفاً به بررسی تأثیر نقش مستقیم و بدون واسطه ی هر قشر (از جمله زنان) در افزایش تولید ناخالص یا در تقسیم کار ملی می پردازند. مطابق تعریف ها و مفاهیم مربوط به اشتغال و فعالیت های اقتصادی، نقش کدبانوگری زنان، مادر و همسر نادیده گرفته می شود. به این ترتیب هیچ گونه ارزیابی از نقش غیرمستقیم زنان به عنوان مادر و همسر در کاهش هزینه های خانواده و مؤثر بودن فعالیت های آنان در اقتصاد غیرپولی و جبران های ناشی از فعالیت های جانشین درآمد انجام نمی شود.

منظور از فعالیت های جانشین درآمد، فعالیت هایی مثل نظافت، پخت و پز، اتوکشی، بچه داری و مراقبت از افراد ناتوان است که هر گاه توسط کسی به جز زن خانه دار انجام شود، باید برای آن پول پرداخت گردد و فعالیت های زنان در این زمینه ها در واقع جانشین درآمد برای خانواده می شود.

توسعه مجموعه تحولی است که باید در تمام ابعاد جامعه اتفاق افتد. در واقع توسعه همه ساختارهای سیاسی و پا به پای آن ساختارهای فرهنگی باید تغییر پیدا کنند و حتی در کنار آن ها توسعه ساختارهای روانی نیز مطرح است. تا همه ی این عوامل با هم تحول پیدا نکنند، توسعه اقتصادی جواب نمی دهد؛ چون بستر توسعه اقتصادی فرهنگ است. زنان با همه ی امور و فعالیت های خود در خانه و بازار کار بخشی از جریان توسعه به شمار می آیند. آن ها نیمی از جمعیت کشورند. باید توجه همه جانبه ای به نقش آنان داشت و ارزش اقتصادی و معنوی فعالیت های آن ها را در نظر گرفت. این امر مهم تحقق نمی یابد؛ مگر با تحولاتی اساسی در نگاه و روش های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی.

در بیشتر کشورهای توسعه یافته کار خانگی یک شغل تعریف شده است. اشتغال زنان در خارج از خانه به مفهوم انجام نشدن کار در خانه نیست؛ بلکه کار خانگی به عنوان یک شغل علاوه بر این که باعث اشتغال بسیاری از زنان می شود، به دلیل آن که به وسیله مکانیزم بازار عرضه می شود، ایجاد درآمد می کند و این درآمدزایی به افزایش تولید ناخالص داخلی یا ملی می انجامد. اما در کشورهای در حال توسعه هنوز نرخ مشارکت زنان خانه دار در بازار کار پایین است و این امر سبب می شود که بسیاری از زنان خانه دار به کار در خانه مشغول شوند که خدمات آن ها در تولید ملی محاسبه نمی شود.

این مسئله نقش آن ها را در تولید ارزش اقتصادی کم رنگ تر نشان می دهد؛ در حالی که یکی از برجسته ترین ابعاد موقعیت زنان، مسئولیت آنان در قبال خانه داری و فعالیت های روزمره ی مربوط به نگهداری از خانواده است. به خصوص در جوامع سنتی ای همچون جامعه ی ما.

از نتایج نگران کننده ی نادیده گرفتن ارزش گروه فعالیت های خانه داری این است که زنان در جامعه احساس نقش نمی کنند و باور ذهنی آن ها بر این است که جامعه ی ایران، آن گونه که طی قرون بوده و خواهد بود، با نیروی کار مردان تغذیه می شود و زنان در تداوم حیات ملی نقش ندارند. از سوی دیگر چنانچه شرایط برای مشارکت وسیع زنان در حیطه ی اقتصاد ملی فراهم شود. این افراد فاقد اعتماد به نفس، توانایی و اشتیاق لازم برای پیوستن به جریان وسیع مشارکت هستند؛ زیرا نه تنها خود احساس ارزشمندی و حیات بخش بودن نمی کنند بلکه جامعه نیز بازخوردی از ارزشمندی و حیات بخش بودن فعالیت های خانه داری به آن ها ارائه نکرده است و آنان را جزو گروه مصرف کنندگان قرار داده است. در حالی که به اعتقاد بسیاری از زنان خانه دار، آن ها کارگرانی بی حیره و مواجب هستند.

در این مقاله به طرح موضوع محاسبه ی ارزش کار خانگی زنان پرداخته شده است. نتایج حاکی از آن است که زنان چند برابر مردان وقت صرف گروه فعالیت های خانه داری می کنند. آن ها در سال های ۱۳۸۷-۱۳۸۸ حدود ۵۷۳/۲۲۵ میلیارد ریال ارزش اقتصادی تولید کرده اند. این ارزش اقتصادی نه تنها در محاسبات اقتصادی ارزش تولید شده در کشور نادیده گرفته می شود، در سطح جامعه و در میان خانوارها نیز مورد توجه و احترام قرار نمی گیرد. در حالی که اگر قرار باشد هر یک از اموری همچون پخت و پز، شست و شو، اتوکشی و رسیدگی به آموزش و تحصیل فرزندان از بازار کالاها و خدمات تهیه شوند، باید برای آن ها هزینه کرد و پول پرداخت.

در این مقاله به برآورد ارزش فعالیت خانه داری با توجه به رهیافت هزینه ی فرصت پرداخته شده است. که شاخه ای از رهیافت نهاده است.



زنان خانه دار و دیگر اعضای خانوار در فرایند تولید خانگی زمانی را صرف گروه فعالیت های خانه داری می کنند. اما در قبال آن دستمزدی دریافت نمی کنند؛ در حالی که آنها می توانستند این زمان را در بازار کار سپری و دستمزدی دریافت کنند. به زبان دیگر زمان صرف شده در امور خانه داری دارای ارزشی بالقوه است.

برای برآورد میزان ساعات صرف شده روی گروه فعالیت های خانه داری از داده های طرح گذاری وقت در نقاط شهری که توسط مرکز آمار ایران در سال ۱۳۸۷-۱۳۸۸ انجام شده است نتایج بدست آمده حاکی از آن است:

- بیشتر زنان ساعت های طولانی کار می کنند و به طور چشمگیری در تولید رفاه برای خانوار سهیم اند. اما این واقعیت به طور کلی در نگرش ها و سیاست ها به رسمیت شناخته نشده و در آمار رسمی منعکس نشده است.

- میان جمعیت افراد خانه دار حاضر در مناطق شهری کشور در سال ۱۳۸۷- ۱۳۸۸ بیش از ۹۹ درصد از زمان صرف شده روی کار خانگی از زمان زنان بوده است.

- ارزش اقتصادی تولید شده حاصل از امور خانه داری زنان بیش از ۲۰۰۰ برابر ارزش تولید شده به دست مردان است.

- ارزش اقتصادی در حدود ۵۷۳ هزار میلیارد ریال به سبب انجام دادن امور مربوط به خانه داری در سال ۸۷-۸۸ اقتصاد ملی تولید شده است که در چرخه ی اقتصاد ملی و حساب های ملی نادیده گرفته شده است.

- ارزش اقتصادی ساعات سپری شده در کارخانه داری در سال ۱۳۸۷-۱۳۸۸ رقمی حدود ۱۶/۵ درصد ارزش تولید ناخالص داخلی در همان سال است.

- ارزش ساعات صرف شده در کار خانگی به دست زنان معادل ۱۶/۵۱۷ درصد از تولید ناخالص داخلی است؛ در حالی که این عدد برای مردان فقط ۰/۰۰۷ درصد است.

ادب و هنر ۴
شماره ۸۹۳ دوشنبه ۳۱ تیر ۱۳۹۸
NASIM JANOUB

روزگارم این گونه گذشت

چنین دفتر که لختی دلنوشته ست
نماد روزگاران گذشته ست.
گل ناز نگارین گل سِتانست
سخنور این گُهر با زر سرشته ست.



نویسنده این کتاب حبیب اله نگهبان می باشد که قصد خود را از نگارش این دفتر، تنها پرداختن به خاطرات زندگی و به تصویر کشیدن صحنه هایی از روزگارم نبوده است. بیشترین انگیزه ام، توجه دادن جوانان با استعداد و محروم کشورم به رویدادهایی کاملاً واقعی است که در این کتاب آورده شده است و به درستی آن آگاهی دارم زیرا خود در این ماجراها به نوعی حضور داشته ام.

مطالب این کتاب مربوط به سه دوره ی متفاوت تاریخی از ۹ دهه اخیر است که روزگار مرا رقم زده است.

فصل اول- دوران رضاشاهی از دهه شش تا دهه بیست

فصل دوم- پادشاهی محمدرضا شاه از شهریور ۲۰ تا سال ۵۷

فصل سوم- وقوع انقلاب اسلامی ایران از سال ۵۷ تاکنون

در این کتاب رباعیاتی از حبیب اله نگهبان سروده شده که نمونه هایی از آنها در زیر آورده شده است:

وقت گل نی

روزی که جهان، صلح و صفا را بیند
هر خسته دلی ز شوق، گل می چیند
نی هم که ندارد عادت گل دادن
در بیشه و نی زار به گل بنشیند

عشق وطن

دل در گرو عشق وطن درگیر است
این عشق ز کودکی عجین در شیر است
در راه سرافرازی این خاک نجیب
امروز بپا خیز، که فردا دیر است

تقدیم به تو

حالا که نشاط زندگی رفته ز یاد
با هیچ بهانه، دل نمی گردد شاد
باغی که حصار آن «دل و» جان من است
با خرمنی از شکوفه تقدیم تو باد

این کتاب توسط انتشارات کوشامهر در سال ۱۳۸۹ به چاپ رسیده است.

ترنم نشاط و شادابی بر بام مدرسه سعادت

عبدالکریم نیسنی



ندانمت به حقیقت
جهان و هر چه در اوست
دو صورتند و تو در میانی

این سرآغاز یک تصنیف زیباست که توسط گروه آوای همنوایان انجمن بانوان فرهیخته کانون بازنشستگان آموزش و پرورش شهرستان بوشهر فضای مدرسه قدیمی سعادت را به آرامشی عمیق فرو می برد.

آدرس این گروه خوش الحال را خیلی اتفاقی بدست آوردیم. من به همراه دوست مطبوعاتی آقای جمیل رزمی در اواخر اسفندماه به دعوت گروه فرهیختگان کانون آموزش و پرورش به مناسبت هفته بوشهر به نشست جمعی از فرهیختگان که با حضور شخصیت های ادبی، هنری و فرهنگی در مدرسه سعادت برپا بود، رفتم. در این مراسم شاهد هنرنمایی یک گروه هنری همسرایان از خانم ها که توسط استاد کاظم فرهنگ منش رهبری می شد توجه مرا به خودش جلب کرد. این اجرا به قدری دلنشین بود که جناب دباش به نیابت از همه حاضرین در جلسه از آنان به شکل شایسته ای تمجید کرد. حضور یک گروه هنری توانمند از میان بانوان فرهنگی بازنشسته آن هم در مدرسه سعادت دقیقاً با من همان کاری را کرد که از خودم انتظار داشتم. به ذهنم رجوع کردم و در آلبوم خاطراتم به دنبال ردپایی از یک اتفاق در آن مدرسه می گشتم. با یک اپیزود به سالهای قبل برمی گردم. این ماجرا برمی گردد به اوان کودکی. منزل ما در محدوده خیلی نزدیکی به مدرسه سعادت قرار داشت. مادربزرگم که دایه و مامای محلی بود امانتی به دست من سپرد و از من خواست تا برحسب یک باور قدیمی به مدرسه بروم و آن امانتی را در کنار یکی از درختان مدرسه خاک کنم. من بی خبر از قواعد یک بازی، مشغول کندن گودال شدم. همین طور که مشغول کار بودم و در حال و هوای خودم بودم سایه بابای مدرسه را بالای سر خودم دیدم. بابای مدرسه یک مرتبه گفت: بچه چه می کنی؟ مگر اینجا نافت گم کردی؟ من هم در حالی که دستپاچه شده بودم و فکر می کردم او می داند که من برای چی به مدرسه آمده ام، با ترس و لرز گفتم: نه آقا ناف مال من نیست، مال مادربزرگمه. در حال و هوای ناف بودم.

هر چه به محل گفتگو نزدیک تر می شدیم، صدای گروه واضح تر به گوش می رسید. حالا به پشت در کلاسی که محل قرارمان بود رسیدیم و بچه ها مشغول تمرین سرود بودند و این تصنیف را زمزمه می کردند: ندانمت به حقیقت/ که در جهان به چه مانی/ جهان و هر چه در اوست/ دو صورتند و تو در میانی.

چقدر این فضا خاطره انگیز است. به سالهای پنجاه برگشتم و به یاد آوردم خاطره ای که همچون آتشی شرر به جانم انداخت. بیاد آوردم تنها سالن شهر را که مملو بود از جمعیت و دخترکان گروه سرود مدرسه شاهد و ایراندخت را که چه هنرمندانه و زیبا در قالب یک گروه کر به سرایش یکی از زیباترین ترانه های فولکوریک بوشهر پرداختند. در سالن اداره فرهنگ و هنر در یک مراسم عمومی شعر تش بگیری واپیچی را همراه با ترنم دلنواز موسیقی که از پشت صحنه پخش می شد چنان غوغایی بپا کردند که تماشاچیان در سالن تقاضای تکرار و اجرای دوباره آن سرود را کردند.

لذا من با احترام به خوانندگان محترم آهنگ به گذشته را مانند یک سفر مرور می کنم تا این هنرمندان را بهتر بشناسم.

و... اما... حال همانان که در آن زمان با لباس رسمی مدرسه (آرمک) و از مسیر مدرسه گذشتند و در سنگر معلم جای گرفتند و اکنون ۴۸ سال بعد در کسوت یک فرهنگی بازنشسته مانند یک اورژانس اجتماعی قدم به میدان گذاشتند تا بار دیگر آواها و نواها را با سری شوریده تر از قبل به مخاطبین در عرصه فرهنگی عرضه نمایند با امعان به این حرکت فرهنگی در شهر، آقای رزمی از آن سوی سیم مرا دعوت می نماید تا برای انجام یک مصاحبه با مسئولین گروه به مدرسه جامع شهر بوشهر برویم و با کسانی گفتگو کنیم که در این مدرسه به پرورش ذوق هنری خود در عرصه موسیقی سعادت بیشتری یافته و با هنرمندی خود، گرمی بخش محافل و مجالس شده اند. با چنین پیش زمینه ای ساعت را از سر شوق کوک می کنم تا در لحظه دیدار همه چیز مهیای یک گفتگوی صمیمانه و تأثیرگذار باشد. به این امید که ادای احترامی کرده باشیم به بانوان شایسته ای که از مسئولیت برای خود تعریف جدیدی ساخته اند. آنها توانسته اند با اشتیاق و از دریچه موسیقی به خلق و آفرینش شادی‌های مضاعف بپردازند و ما با قرار قبلی گام به درون چنین مکان مقدسی می گذاریم. در اینجا همه چیز رنگ مدرن به خودش گرفته است. تعدادی جوان اقدام به راه اندازی کافه کتاب، کافی شاپ، فروشگاه زیورآلات و صنایع دستی، در واقع اینجا جایگاه و نمایشگاهی بود که هم نوستالوژی روزهای دور و هم یادآور خاطراتی بس تلخ و شیرین به وسعت قلب های پاک زنان و مردانی که دل به سعادت بسته بودند.

اینجا حال و هوای همه را خوب می کند. در اینجا به آسانی می توانی نفس بکشی، زیرا فضای فرحناکش لذت زندگی را با خاطرات همسنگران تداعی می کند.

با ورودمان به مدرسه سعادت به دنبال همان باغچه دوران کودکیم برمی گردم. در چشم انداز پیش رویم دو درخت خرما هستند که مردمک چشمانم بسوی آنها خیره شده اند. جلوتر می روم انگار سالهای سال همدم روزگاران گذشته اند و سختی های فراوانی را در این سال دیده اند که بر، برگ و تنه نه چندان قطور آنها برجا مانده است. ما چون اجازه ورود به محل تمرین را نداشتیم به انتظار می‌ایستیم و ما همچنان تصنیف ندانمت به حقیقت را به وضوح می شنویم.

استاد فرهنگ منش که در حال رهبری گروه خود است ما را از پشت شیشه هایی که از تمیزی برق می زند، می بیند و ما را به داخل کلاس دعوت می کند و ما خیلی آرام پای به درون یک ماجرای قدیمی می گذاریم که می تواند ابتدا و انتهایش فراتر از تصور ما باشد.

در هنگام ورود همه ی آن بانوان محترم به احترام ما از جای خود برمی خیزند و آنچه را که سالها به بچه های مردم آموخته اند عملاً انجام می دهند و ما را شرمنده این همه تواضع می کنند. ابتدا جناب فرهنگ منش به جهت روشن شدن ماجرا اقدام به معرفی ما به حاضرین در جلسه کرد و هدف از حضورمان را به درستی بیان کرد و با کمال تواضع از ما خواستند تا سؤالاتمان را در حضور اعضای گروه بیان کنیم.

من هم برحسب یک سنت همیشگی ضمن تشکر از ایشان خواستم تا به معرفی خودشان بپردازند. آقای فرهنگ منش اینگونه شروع به سخن گفتن کرد:

– من در ابتدا لازم می دانم بابت حضورتان از شما و هفته نامه نسیم جنوب تشکر کنم که این فرصت را به بچه ها و همه دختران می‌دهند تا مردم شهرم در جریان فعالیت‌های هنری زنان فرهیخته‌ای قرار گیرند که زمانی در اوج جوانی و شادابی مسئولیت تربیت فرزندانشان را برعهده داشته اند و با این گروه فرهنگی بیشتر آشنا شوند و بدانند که چه کسانی و با چه روحیه ای به تربیت فرزندان آنها همت گماشته اند و اکنون با این روحیه زندگی را با همه آن ناملایمات و سختی‌های روزگار با شادی و طراوت سپری می کنند تا از این لذت هم خود بهره ببرند و هم به اعضای خانواده خود هدیه دهند.

جناب فرهنگ منش همانطور که می دانید ما درصدد ثبت اتفاقات و رویدادهای فرهنگی شهرمان هستیم و در واقع ما با همکاری عزیزانی مثل شما در حال بوشهرنگاری هستیم و قطعاً خوانندگان خوب ما از این رویداد و اتفاق خوب فرهنگی به سادگی نمی گذرند و این کار شما در حافظه تاریخی فرهنگ مردم این شهر ماندگار خواهد شد. پس اگر اجازه بدهید سؤال ها را شروع کنیم.

از استاد فرهنگ منش خواستیم تا برای استفاده بهینه از زمان به تمرین ادامه دهند. در آن فضا به خوبی می شد جریان زندگی را حس کرد، هر چه تمرین به جلوتر می رفت همسرایی آنها روان و روانتر می شد؛ به طوری که احساس می کردی این نوا از حلقوم و حنجره یک نفر شنیده می شود. این هنری است که به سختی می شود به آن دست یافت و لازمه اش علاوه بر تمرین، عشق به خواستن است.

در این بین استاد فرهنگ منش از آنهاها خواستند تا همان تصنیف را دوباره اجراء کنند. با فرمان استاد در سکوتی هوشیارانه همه با هم شروع کردند به خوانش، آن هم چه خوانشی.

نکته جالب این که بعد از اجراء و پس از تأیید استاد به شدت و از سر شوق کودکانه خودشان را تشویق می کنند که این رسم بسیار نیکوئیست که بیشتر در فرهنگ شرق دور مثل ژاپن دیده می‌شود. با پایان تمرین از استاد خواستیم تا وارد فاز اول مصاحبه شویم. حال با این نشاط حاصل از این اجرا و درک زیبایی از جهان بینی همه چیز مهیای یک گفتگوی دوستانه است.

– جناب استاد لطفا خودتان را برای خوانندگان محترم هفته نامه نسیم جنوب معرفی بفرمایید؟



– من کاظم فرهنگ منش متولد ۱۳۲۸ بوشهر به اصرار پدربزرگم دو سال شناسنامه ام را زودتر به ثبت رساندند. در واقع متولد ۱۳۳۰ هستم.

دوران ابتدایی در دبستان گلستان بودم و متوسط را در دبیرستان سعادت بودم و سالها بعد با کسب مدرک فوق دیپلم به عنوان دبیر مدارس راهنمایی بودم و دو سال نیز در دبیرستان سعادت به عنوان مربی طرح کاد مشغول بودم که این اتفاق در زمان آقای اسدی مدیر وقت دبیرستان سعادت بود که خوشبختانه بعداً با ورود به جرگه بازنشستگی به دعوت کانون به تشکیل چنین گروهی علاقمند شدم و این گروه را در دبیرستان تشکیل دادیم.

– جناب فرهنگ منش آیا فعالیت فرهنگی دیگری هم داشته اید؟

– بله من در سال ۱۳۵۶ با گروه ایرج صغیری در تئاتر قلندرخونه به عنوان تدارکاتی و در محپلنگ به ایفای نقش پرداختم. در سال ۱۳۸۰ به کلاس موسیقی رفتم، یکسال در بخش آواز فعالیت نمودم.

پدرم هنگامی که در دبیرستان سعادت می آمد، می گفت که یکی از واحدهای درسی ما درس موسیقی بود و برایم جالب بود که تصویر معلم پدرم در عکس که در این دبیرستان به ثبت رسیده به چشم می‌خورد.

– جناب فرهنگ منش از حضور گروه تان در مدرسه سعادت بگویید؟

– مسئولین کانون آقایان بازدار، دباش به مدیریت مجتمع فرهنگی مدرسه جاویدان سعادت گفتگو کردند و آنها از این ایده استقبال و تاکنون با کمال احترام با ما و گروه همراهی می کنند و این برای ما جای خوشبختی است که افرادی سکان دار این مدرسه هستند که درک عمیقی از مقوله فرهنگ دارند. نکته جالب اینکه وقتی در کلاس را به روی ما گشودند و تصویر مرحوم استاد علی ساغری را به عنوان اولین رهبر ارکستر مدرسه سعادت دیدم شوکه شدم. به یادم آمد که چگونه پسولافا را تلفظ کرد و باز هم از این جالب تر آنکه از تشکیل یک گروه موسیقی دخترانه که تصویر آن موجود است اشاره نمودند.

به هر حال می توانم بگویم خودم نیز از طریق رادیو به موسیقی علاقه مند شدم و این موسیقی سالها و همیشه با برنامه گلهای جاودان همراه من بود. به طوری من موسیقی را با تمام وجود احساس می‌کردم و الان با آن نفس می کشم و با آن زندگی می کنم.

– جناب استاد برای خوانندگان مان بفرمایید این گروه چگونه شکل گرفت؟

– اگر اجازه بدهید تا یکی از خانم ها جواب شما را بدهند.

خانم ترازویی: ما دو سال پیش برای کانون بازنشستگان در برنامه ای شرکت کردیم و توانستیم به خوبی در یک مدت کوتاه برنامه را به سرانجام برسانیم. از روی سن که پایین آمدیم، آقای دباش، آقای مشایخ و آقای بازدار آمدند و از ما خواستند تا در کانون فعالیت کنیم و ما هم کارمان را شروع کردیم. دوستان و آشنایان وقتی که از فعالیت ما خبردار شدند به من گفتند مگر بچه اید که دنبال گروه سرود می‌روید. من به آنها گفتم این گروه با گروه هایی که شما فکر می کنید فرق دارد، اما باور نمی‌کردند. به آنها کلیپ یکی از اجراهای مان را که نشان دادم خیلی تعجب کردند و برای شان جالب بود. من که از حضورم در این گروه خیلی خوشحال هستم و با نوه ام تصنیف ها را دوره می کنم... با پایان صحبت های خانم ترازویی همه او را تشویق کردند.

– شما در تکمیل عرایض خانم ترازویی و صدیقه ملاح زاده بفرمایید که این گروه چگونه شکل گرفت؟

– حقیقت آن است که از آنجا که آقای بازدار می دانست من دستی بر آتش دارم و در این حیطه فعالیت می کنم، از من خواستند تا به تشکیل این گروه کمک کنم... و این داستان در یک اردوی خانوادگی که کانون، بانی آن بود اتفاق افتاد.

هدف این گروه ایجاد شادی و نشاط در نسلی است که جوانی و طراوت خود را نثار تربیت فرزندان مردم کرده اند. ببینید حافظ هر گاه شعری می گفت ملودی های جامعه را گوش می داد و بعد شعر می سرود. شعر حافظ در بطن جامعه سروده می شد.

برای گروه از تصنیف های ماندگار و ارزشمند موسیقی ایران استفاده می کنیم. یک شاعر صافی جامعه است و جامعه را به شادی و نشاط می کشاند.

– از محل تمرین و امکانات تان کمی هم صحبت کنید.

– به یکباره صدای اعتراض خانم ها بلند شد که ما چیزی نمی خواهیم، ما به همین هم قانع هستیم. آقای فرهنگ منش هم در کمال تواضع درخواست آنها را تأیید کرد. چشم هایم را بستم تا این واژه قانع بودن را حداقل برای خودم هضم کنم، دیدم نمی شود. متأسفانه انگار این واژه در تار و پود این مردم در هم آمیخته و بخشی جداناشدنی از فرهنگ این شهر است. من هم به احترام آنها چیزی نمی گویم. همه بضاعت گروه بانوان فرهیخته بی ادعا یک میز قدیمی، یک آمپلی فایر قدیمی و یک گوشی ساده است که به وسیله آن ویس های موزیک متن را پخش می کنند. تازه خیلی هم تشکر کردند که به آنها جایی برای تمرین داده اند. بنازم نجابت این عزیزان را...

– جناب فرهنگ منش ممکن است بگویید که تصنیف ها را بر چه پایه و معیاری انتخاب می کنید؟

– من ابتدا آن تصنیف را پیدا می کنم و می آیم حنجره بچه ها را با آهنگ تطبیق می دهم و اگر دیدم که بچه ها می توانند آن تصنیف را بخوانند آن را اجرا می کنیم.

– جناب فرهنگ منش لطفاً بگویید در این یکی دو سالی که از عمر گروه تان می گذرد، تحت حمایت سازمان و یا نهاد فرهنگی هستید؟

– همانطور که خانم ها اشاره کردند ما از هیچ نهاد و مؤسسه کمک نمی گیریم و توقعی هم نداریم. ولی جا دارد از مدیریت مدرسه ماندگار سعادت جناب دکتر عارف زاده و همکار ارزشمند ایشان آقای فره‌وشی که همه جوره حمایت های این عزیزان را شاهد هستیم تشکر و قدردانی کنم. حقیقتاً ما همین قدر که بتوانیم گروهی از افراد جامعه را به نشاط روحی برسانیم برای ما کفایت می کند. ما توقعی از هیچ کس نداریم. من جسارتاً عرض می کنم از چندین جا از من خواستند که برای آنها گروه تشکیل دهم اما من در مقابل این بانوان فرهیخته بیشتر احساس مسئولیت می کنم و حاضر نشدم برای دیگران کار کنم. من الان لذت این را می برم که دارم برای دلم کار می کنم و این حس خوبی است.

* در موقع مصاحبه برای ما جالب بود که گروه ۲۰ نفری اعضاء آوای همنوایان خودشان را وارد مصاحبه می کردند، مانند خانم عباس زاده همسر کاظم فرهنگ منش رهبر گروه که خود فرهنگ منش عقیده داشت وام دار همسرش در اجرای برنامه هاست؛ زیرا او در خانه هنگام تنظیم آهنگ

نسیم جنوب
ادب و هنر
شماره ۸۹۳ دوشنبه ۳۱ تیر ۱۳۹۸
NASIM JANOUB

کتاب تئاتر بیرونی منتشر شد

جدیدترین اثر محمد مظفری در حوزه تئاتر با عنوان تئاتر بیرونی منتشر شد.



محمد مظفری نویسنده کتاب «تئاتر بیرونی» در گفتگو با خبرنگار مهر اظهار داشت: در کتاب تئاتر بیرونی سعی کرده ام با ارائه تاریخچه ای از تئاتر فضای باز در سراسر دنیا، روند شکل گیری و توسعه انواع نمایش های بیرونی در دنیا را معرفی کنیم.

وی با بیان اینکه بخش هایی از کتاب به معرفی شخصیت های تاثیرگذار در توسعه تئاتر بیرونی می پردازد افزود: سعی شده در این اثر شیوه های مختلف اجرای نمایش های بیرونی معرفی شوند.

مظفری با بیان اینکه بخش مهمی از کتاب تئاتر بیرونی به تاریخچه تئاتر بیرونی و خیابانی در ایران می پردازد، افزود: در این اثر پژوهشی سعی شده به ارتباط تئاتر و فرهنگ عمومی اشاره شود.

این پژوهشگر افزود: بیش از ده سال برای انتشار این اثر وقت گذاشته است.

کتاب تئاتر بیرونی با تیراژ هزار توسط انتشارات دریانورد منتشر شده و قرار است در روز نهم مرداد با حضور هنرمندان و علاقمندان رونمایی شود.

۳ اثر هنرمندان بوشهر به جشنواره بین المللی نمایش های آیینی و سنتی راه یافت



سه اثر "لیوا"، آ بگو شت زهرماری" و " کارنامه بنداز بیدخش" تولید هنرمندان بوشهر به جشنواره بین المللی نمایش های آیینی و سنتی راه یافت.

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بوشهر در جمع خبرنگاران گفت: با اعلام ۲۳ نمایش منتخب از ۶۴ نمایش متقاضی توسط هیأت بازبین، نمایش لیوا اثر محمد مظفری در بخش آیین‌ها، معرکه‌ها و بازی‌ها موفق شد به این جشنواره راه پیدا کند.

فاطمه کرم پور افزود: همچنین نمایش آبگوشت زهر ماری اثر حسین اسدی از جزیره خارگ و نمایش کارنامه بنداز بیدخش کار مشترک الهام ابنی و جواد صداقت به بخش صحنه ای نوزدهمین دوره این جشنواره راه یافتند.

وی ادامه داد: جشنواره بین‌المللی نمایش‌های آیینی و سنتی ۱۹ تا ۲۶ مردادماه ۹۸ در شهرهای کاشان و تهران برگزار می گردد.



ساعتها مرا تحمل می کند که در این میان خانم شهلا هوشمند در تأیید هدف استادشان می گوید: جا دارد من هم از طرف همه دوستان گروه همنوا از خانم مرضیه عباس زاده همسر آقای فرهنگ منش به خاطر حمایت و پشتیبانی از ایشان تشکر کنم. به هر حال ایشان با گذشت و همراهی همسر خود حاضر شده ساعاتی از اوقات زندگی خانوادگی خود را بدون هم توقعی در اختیار گروه قرار دهند و همواره سر تمرین و اجرا همگام با ما باشند.

صحبت از خانم عباس زاده همسر فرهنگ منش که به میان آمد بر آن شدیم تا نظرات برخی از اعضاء گروه که هنگام مصاحبه حضور داشتند را جویا شویم.

خانم صدیقه ملاح نژاد که نزد استاد مهدی عظیمی نیز به درس و آواز می پردازد و از پیشکسوتان فرهنگی است در کانون بازنشستگان آموزش و پرورش فعالیت داشته که طی تماس، چگونگی بوجود آمدن گروه همنوایان را خواستار شدیم.

خانم صدیقه ملاح نژاد با استقبال از پرسش من گفتند: با توجه به فعالیتهای مختلف اجتماعی که از سوی کانون برگزار می شد جای یک گروه موسیقی را خالی می دیدیم، لذا تشویق آقایان دباش و بازدار و اینکه اصفهان و تهران نیز گروه کر متشکل از بانوان بازنشسته تشکیل شده در بوشهر که پیشینه خوبی در برپایی چنین مجالسی دارد بر آن شدیم تا به پیگیری موضوع بپردازیم و با مشورت مسئولین کانون و علاقه مندان به هنر به ویژه در یک اردوی فرهنگی کلید آن زده شد و به سختی توانستیم ۱۲ نفر را برای تشکیل چنین محفل جلب و پذیرش نماییم و با کوشش همکارانمان در کانون بازنشستگی یعنی آقایان بازدار و دباش که مدرسه سعادت را جایگاه اصلی برای تمرین و اجرا انتخاب نمودند نادیده نمی گیریم.

در این مورد خواهران بیغش و ملاح نژاد بر این باورند که ما استاد را یک مددکار اجتماعی می‌شناسیم و اعضاء گروه خود را یک سمن می دانند که در نشاط اجتماعی برای خانواده داخل خودمان که کم نیستیم تأثیرپذیر بوده باشد.

خانم صدیقه مظفری، زینب سیاوش و مریم عرب زاده همگی عقیده دارند اشعاری که ما برای اجرا و تمرین حفظ می کنیم، شب ها زمزمه های عاشقانه و عارفانه ما می شود و برای نغمه خوانی شاید هم لالایی در گوش نوه هایمان....

بزرگ خانم موسوی، مهری منصورنژاد و زهرا رحمانی می گویند: پشتکار و جدیتی که در استاد خودمان هنگام تمرین و اجرا می بینیم ما را برای حضور فعال و مستمر در کنار سایر همکاران راغب می نماید.

خانم نرگس هوشمند بر این باور است که تشکیل چنین تشکلی موجب کشف استعدادهای جدید از میان بانوان عضو کانون بازنشستگی آموزش و پرورش است و می شود گفت بازنشستگی ما با طعم موسیقی بوده و کلاً یک موسیقی درمانی برای بانوان بازنشسته بوجود آمده و اهمیت این هنر و فعالیت بیشتر برایمان متبلور شده.

خانم سیده رباب موسوی و شهناز موذنی، آمنه موجی از گروه همنوایان نکات جالبی را برایمان بیان داشتند که ما به یک نوع سلامت اجتماعی هم رسیده ایم حتی موجب دوری از فضای مجازی و حتی تغییر در نحوه پوشش که هماره رنگ های شاد استفاده می نماییم تا با نشاط اجتماعی در خانه و خانواده همگام باشیم.

– جناب فرهنگ منش قطعاً خوانندگان ما می خواهند بدانند که شما در کدام فصل برای کار و تمرین راحت تر هستید؟

– بچه ها فصل را نمی شناسند که در گرمای تابستان با امکانات کم و از مسافت های دور خودشان را به محل تمرین رسانده اند. در واقع ما در تمام فصل ها تمرین می کنیم، چون این گروه عاشق است، چون این ها با این دور هم بودن به نشاط و شادابی رسیدند که در هیچ جای دیگر به آن نرسیده اند. اینها زنانی هستند برای تمام فصول. ما در این حرکت به دنبال یک درمان روحی از طریق ادبیات موسیقی هستیم. من کنار بچه ها هستم؛ چون آنها می خواهند که این مسیر را با هم بپیماییم و همه دختران من هستند.

– جناب فرهنگ منش روی صحبتم با شما تنها نیست، با همه اعضای گروه است. با توجه به مشکلات اقتصادی و .... بفرمایید با کدام احساس در گروه حضور پیدا می کنید؟

ما احساس می کنیم چیزی را گم کرده ایم و آن عشق است. ما به امید رسیدن به عشق و کسب آرامش، ما به عشق گروه و با هم بودن و همسرایی، با وجود بعد مسافت در اینجا حضور پیدا می کنند. اگر ازشان سؤال کنید این ها از مخبلند، بهمنی، امامزاده و جاهای دور در گرما و سرما به اینجا می‌آیند و احساس می کنند که عشق و حال خوش را اینجا یافته ایم و در اینجا حال خوش را پیدا کرده ایم و آن را با چیزی عوض نمی کنیم و می شود گفت، این بهترین اوقات فراغت بانوان پیشکسوت بعد از خانه داری است.

این گفتگو تعجب مرا دوچندان کرده بود، زیرا جمع آوری آن همه دختر علاقه مند به موسیقی نشان می داد علیرغم محدودیت های اجتماعی مؤید این نکته بود که فرهنگ مردم به این باور رسیده بود که موسیقی بخشی از نیاز جامعه است.

– آقای فرهنگ منش به اعتراف شاگردان شما، شما از سواد موسیقیایی برخوردار هستید؟

– شما و دوستان لطف دارید. من عقیده دارم و باورم این است که گروهی را که گرد هم آمده اند نتیجه صافی قلب و بی آلایشی روح و اندیشه و علاقه مندی عشق همکاران همنواست که در جلسات تمرین هفتگی خود در این مکان آهنگین و موسیقایی به سرزندگی و شادی می رسند.

من در این جلسه هفتگی که گاهی بنا به آموزش دستگاههای موسیقی می پردازم به صراحت می توانم بگویم همکاران به ۷ دستگاه ردیف موسیقی موجود و ۵ مقام آوازی آشنا هستند. آنها به خوبی دستگاهها و ردیف های موسیقی مانند شور، ماهور، سه گاه، چهارگاه، پنج گاه، همایون، ابوعطاء، بیات و ترک و زند، افشاری به بیات اصفهان، شوشتری و هفت و مکاتب موسیقی از این اقیانوس موسیقی اصیل دشتی ایران را فرا گرفته و آشنا هستند که خانم ها به خوبی آن را یاد گرفته اند. همانطوری که گفتم من نیز تصنیف ها را بر اساس حنجره، توانایی و علاقه آنها به اجرایش انتخاب می کنم؛ زیرا در موسیقی ایجاد حالت معنوی در قلب، عشق، مهر و محبت و احساس درونی انسان است که خلق و خوی و صبر و متانت را به جامعه تزریق می کند. این حالت درونی را شما می توانید در افرادی که ساکن آپارتمان هستند و کسانی که در خانه های ویلایی زندگی می نمایند احساس کنید. یکی سرسبزی و شادابی را دارند، یکی نزدیک به افسردگی و ناتوانی ناشی از آپارتمان نشینی با استرس زیاد.

– استاد فرهنگ منش نگفتید کلاس را چگونه شروع کردید؟

– من بر اساس ایده کانون بازنشستگان فراخوان جذب شاگردانم را کلید زدم. آقایان و خانم ها آمدند، اما آقایان به علت مشغله و گرفتاری به زودی از بدنه گروه خارج شدند و خانم ها با علاقه فراوان به تمرین ادامه دادند، لذا قرار شد اولین اجرا را در فرهنگسرای شیخ حسین خان چاهکوتاهی برنامه اجرا کنیم که با تمام وجود به تمرین مشغول و آنها هم با اجرای خوبشان مرا روسفید نمودند.

– از مسئول گروه آوای همنوایان درباره موسیقی در بوشهر و دیدگاه او می پرسیم:

– پس از سکوتی معنادار می گوید: بوشهر دارای ستارگان موسیقی خوبی در زمینه آواها و نواهای سنتی محلی است که به مخاطبین حیات می بخشند و نقل شهر و عام هستند مانند خیام‌خوانی و سنج و دمام که شنیدن آن موجب آرامش است و حرف هایی

دلم می خواهد که کار ما در جامعه و گروه های بازنشسته سازمان ها و ادارات دنبال شود و نیروهایی را که زمانی بخش فعال جامعه محسوب می شدند دوباره به زندگی خودشان بازگردند، زیرا بدون هزینه هم می شود شادی را ساخت.

فقط لازم است که وقت بگذارند و اولویت را روی شادی و شعف جامعه قرار دهند. وقتی جامعه سالم شد همه چیز خودش را پیدا می کند

برای گفتن دارد.

اصولاً من همیشه کلاسی را با یک بیت شعر و یاری جستن از خداوند شروع می کنم. از آنجایی که خانم ها از خود علاقه نشان داده و در حد توان به آموزش و توان کششی به آموزش آنها می پردازم و این توانایی را دارند و عقیده دارم که ما کاری به گذشته نداشته باشیم باید حال کنونی را خوش کنیم و معتقدم هنر نبایستی برای هنر باشد بلکه هنر باید برای همگان باشد و برش هایی از زندگی آنها را به شکل هنری به آنها تحویل دهم. هنرمند باید یک قدم جلوتر باشد و ملودی های جامعه به زیبایی به آنها بازگردد.

– ممکن است برای خوانندگان بفرمایید تاکنون در کجاها برنامه اجرا کردید؟

– بله نخستین اجرای ما به مناسبت سالگرد مرحوم منوچهر آتشی در فرهنگسرای شیخ حسین خان چاهکوتاهی در امامزاده بود.

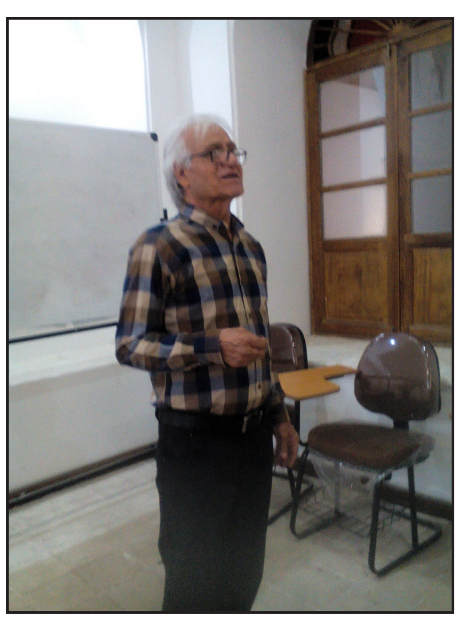
* از ابتدای مصاحبه، حین گفتگو و حتی پس از مصاحبه از صحبت های استاد فرهنگ منش ما متوجه خیلی از چیزها شدیم. ما متوجه شدیم که جناب فرهنگ منش مثل خیلی از بوشهری های دیگر خودش را و توانمندی های هنریش را پنهان می کند. او را یک رهبر باسواد دیدیم که از دانش موسیقیایی برخوردار است که میزان نبض گروهش را به خوبی می شناسد. او علاوه بر اینکه یک موسیقیدان است، یک روانشناس هم هست.

وقتی از او سؤال می شود تا کی می توانی جریان این گروه هنری را بدست داشته باشی، خیلی ساده در یک جمله می‌گوید: من کنار بچه ها هستم، چون آنها می خواهند تا این مسیر را با هم بپیماییم و خوب آهنگ وجودی هم را بشنویم.

اما وقتی آخرین سؤال را از این استاد موسیقی مطرح می کنم، جوابش برای ما جالب است. لذا آن را حسن ختام مصاحبه خود قرار می دهیم.

– تا آنجا که من می دانم بعضی از چهره هایی که در گروه حضور دارند همان دانش آموزان مدرسه شاهدخت دهه ۵۰ هستند در کنار شما گرد هم آمده اند، این را چگونه تعبیر می کنید که مجدداً در حال و هوای موسیقی و سرود قرار گرفته اند.

با این پرسش استاد نگاهی به پشت سر خود می اندازد و خود را معطل پاسخ به ما نمی کند و از طاقچه پشت سرش قاب عکسی را برمی دارد و برای ما می آورد مربوط به ۸۰ سال پیش در قاب عکس تصویر اولین



گروه سرود مدرسه سعادت را می بینیم که در آن مرحوم ساغری اولین رهبر گروه موسیقی با تعدادی نوجوان در حال اجرای یک موزیک هستند که می توان صدای طبال، فلوت، نی و قره نی را به خوبی از درون عکس و از ورای زمان شنید. این گروه موسیقی در سال ۱۳۱۶ با استاد فرهنگ منش پیوند می خورند و مدرسه سعادت با فرهنگ منش دومین رهبر گروه موزیک خود را تجربه می کنند.

با نگاهی به آن چشم نگاشت (عکس) سالهای دور بانوان پیشکسوت را می بینم که در حال پنهان کردن اشک های خود هستند و می خواهند بگویند آیا تاریخ هم را در یک عکس دسته جمعی درون یک قاب به خاطر خواهد سپرد. و دوباره می سرایند آنچه را، که تاریخ موسیقی این سرزمین به خاطر سپرده است.

– از استاد فرهنگ منش می خواهیم اگر حرف ناگفته مانده بیان نمایند. وی چنین ادامه می دهد:

دلم می خواهد که کار ما در جامع گروه های بازنشسته سازمان ها و ادارات کار را دنبال کنند و نیروهایی را که زمانی بخش فعال جامعه محسوب می شدند دوباره به زندگی خودشان بازگردند، زیرا بدون هزینه هم می شود شادی را ساخت. فقط لازم است که وقت بگذارند و اولویت را روی شادی و شعف جامعه قرار دهند. وقتی جامعه سالم شد همه چیز خودش را پیدا می کند و در صحبت آخر اینکه با تمام وجود، من و سایر اعضا گروه آوای همنوایان کانون بازنشستگان آموزش و پرورش از نشریه نسیم جنوب که ما را قابل دانستند و یادی از ما کردند. همچنین از برادران همکار، جمیل رزمی و نیسنی متشکریم.

هفته نامه نسیم جنوب، امید آنکه استاد فرهنگ منش و سایر همکاران خود در گروه آوای همنوایان کارنامه درخشانی در عرصه موسیقی عرضه نمایند.



نسیم جنوب
۶
اجتماعی
شماره ۸۹۳ دوشنبه ۳۱ تیر ۱۳۹۸
NASIM JANOUB

دادخواهی ساکنان مناطق جنوبی شهر بوشهر از استاندار بوشهر:

مدیران استان حتی به دستورات استاندار بهایی نمی‌دهند

به گزارش سیراف خبر، جمعی از اهالی مناطق جنوبی شهر با عدم همکاری سازمان‌های ارشد اجرایی در برآورده شدن خواسته هایشان اقدام به تهیه و انتشار تظلم خواهی و دادخواهی به استاندار بوشهر نموده‌اند. در این دادخواهی که به امضای جمع کثیری از خانواده‌های شهدا، جانبازان، آزادگان، ورزشکاران، جوانان و ساکنین محلهٔ رایان (رونی) رسیده، نسبت به عدم همکاری سازمان‌های دولتی در اجرای مصوبات کارگروه بازآفرینی محلات جنوب اعتراض شده است.
محور اصلی این اعتراض بی توجهی ادارهٔ گاز استان بوشهر در واگذاری زمینی است که برای دست کم پنج دهه محل بازی و فعالیت ورزشی جوانان قدیم و ورزشکاران کنونی این محلات بوده. مطابق بند ۸ مصوبات کارگروه مذکور که به ریاست استاندار بوشهر و ادارات ذی ربط برگزار شده ادارهٔ گاز بوشهر مکلف به واگذاری زمین یک هکتاری خود در محلهٔ رونی به راه و شهرسازی بود تا مطابق با طرح تفضیلی شهر، در این زمین مجتمع ورزشی ساخته شود.
اما آنچه که ساکنان مناطق جنوبی را به دادخواهی از استاندار بوشهر واداشته است، عدم همکاری سازمان‌های مربوطه برای اجرای این مصوبه است. مطابق با متن دادخواهی، تلاش‌های پنج سالهٔ اهالی این محلات برای استفادهٔ ورزشی از این زمین که پنجاه سال محل تمرین و بازی ورزشکاران بوشهری بوده، با توجه به حصارکشی آن توسط ادارهٔ گاز ناکام مانده و ورزشکاران و جوانان و نوجوانان این محلات را با مضیقه رو به روکرده است. از آذرماه گذشته تا کنون نیز که ادارهٔ گاز مکلف به واگذاری این زمین به شهرداری و شهرسازی شده تمایلی برای اجرای این مصوبه دیده نمی شود و بعد از ماه ها دوندگی و عدم حصول نتیجه، فریاد دادخواهی اهالی محلات جنوبی برخاسته است.
«دادخواهی کرده ایم. ده ها تن از خانوادهٔ شهدا امضا کرده‌اند. جوانان و ورزشکاران امضا کرده‌اند و از جناب گراوند، استاندار محترم بوشهر تقاضا کرده‌اند موانع اجرای این مصوبه و دستور خود را

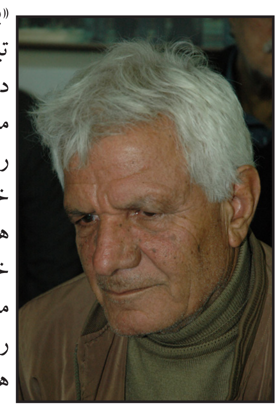


مرتفع کنند. این که نمی شود شهروندان را این گونه بی بها کنند و دستور استاندار را این گونه ندیده بگیرند. تمام درها به روی ما بسته شده که فریاد دادخواهی خود را این‌گونه برآورده ایم شاید به گوش استاندار و مسئولین بالاتر برسد».
در همین زمینه با محمدرضا رایانی، عضو و مسئول شورای محل رایان (رونی) گفتگویی کردیم. این ورزشکار پیشکسوت بوشهری و شهروند مورد وثوق محلات جنوبی در رابطه با این دادخواهی گفت: «ما همه جا رفته ایم، فرمانداری، راه و شهرسازی، ادارهٔ گاز، شورا و شهرداری... اما هیچ کس توجهی ندارد. محلات جنوبی در مضیقه هستند. سال‌هاست کسی به این محلات توجهی نکرده و امروز که هفت محل جنوبی به عنوان محلات هدف طرح ملی بازآفرینی تعیین شده‌اند هم کسی عزم همکاری ندارد».
این عضو با سابقهٔ شورای محلات می گوید: «ادارهٔ گاز زیر بار مصوبه ای که هم خودشان امضا کرده‌اند و هم استاندار بر آن دستور نهاده نمی رود. هر بار به یک دلیل از اجرای آن شانه خالی می کنند. در حالی که قانون است. هر ارگان دولتی در این هفت محل زمین دارد باید زمین ها را به راه و شهرسازی بدهد و کاربری آنها یا ورزشی است یا بهداشتی و یا فضای سبز. طرح تفضیلی این زمین را ورزشی تعیین کرده‌اند. استاندار دستور داده که این زمین به محله رایان (رونی) برگردانده شود. اما متأسفانه این دستور مورد استناد و اجرا قرار نمی گیرد».
محمدرضا رایانی در ادامه توضیح می‌دهد: «دادخواهی کرده ایم. ده ها تن از خانوادهٔ شهدا امضا کرده‌اند. جوانان و ورزشکاران امضا کرده‌اند و از جناب گراوند، استاندار محترم بوشهر تقاضا کرده‌اند موانع اجرای این مصوبه و دستور خود را مرتفع کنند. این که نمی شود شهروندان را این گونه بی بها کنند و دستور استاندار را این گونه ندیده بگیرند. تمام درها به روی ما بسته شده که فریاد دادخواهی خود را این‌گونه برآورده ایم شاید به گوش استاندار و مسئولین بالاتر برسد».

«تأسیس بنیاد مریم میرزاخانی برای شناسایی نخبگان» ۱

ادامه زندگی علمی پس از مرگ

ناصر علیخواه



«بیست و چهارم تیرماه ۹۸ سالروز درگذشت: مریم میرزاخانی ملکه ریاضی ستاره ای که خاموش شد»
همه دوست داشتند خبر ابتلای مریم میرزاخانی به سرطان راست نباشد، و اگر هم راست باشد از سرطان های خوش خیم باشد که درمان می شود، ولی با همه آرزوها به ناامیدی پیوند خورد و او (مریم) شنبه بیست و چهار تیرماه ۱۳۹۶ درگذشت. رییس بخش مریخ در سازمان فضایی آمریکا ناسا که تصویر چراغی را گذاشت که خاموش شد.
و از مریم میرزاخانی یاد کرد، و اندک زمانی بعد همه جا پیچید که نابغه ریاضی ایران در سن ۴۰ سالگی درگذشت.۲
درباره شخصیت علمی مریم میرزاخانی و تلخی های پیش رو، و ادامه تحصیلش در خارج از کشور در یک سن کم از جنبه های مختلف طبیعی است که دردهای خفیف، خیلی تأثیرگذار است. و یکی از حسرت هایی که مریم میرزاخانی که در نوشته هایش عنوان کرده بی تأثیر نبود. از جمله «حادثه از ته دره تا اوج قله»۳ که از زبان حامد هاشمی هم دوره های مریم میرزاخانی در صفحه فیس بوک خود نوشته، آخر زمستان هزار و سیصد و هفتاد و شش دو هفته بعد از آن که با اتوبوس از اردوی دانشجویی دانشکده برق خوزستان برگشتیم، اتوبوس بچه های ریاضی جایی در همان جاده خطرناک لغزید و به عمق دره سقوط کرد، «هفت نفر از بهترین های ریاضی در سانحه فوت شدند»۴ و بین ما مریم میرزاخانی هم بود ولی کم تر صدمه دیده بود. مریم در بخش شگفتی المپیاد ریاضی قبل از ورود به دوره پیش دانشگاهی به عضویت تیم المپیاد ریاضی دانش آموزان کشور انتخاب شد و به مسابقات بین المللی اعزام شد با توجه به سن کم که هنوز سال سوم را تمام نکرده بود ولی در کمال شگفتی در «المپیاد جهانی مدال طلا گرفت»۵ و در میان دانش آموزان شرکت کننده در المپیاد رتبه ی اول کسب کرد، مریم از آن پس به عنوان دارنده استعدادهای درخشان در حد نبوغ شناسایی شد و سال بعد با کسب نمره کامل المپیاد نه تنها مدال طلای خود را تکرار کرد و به ادامه تحصیل در دانشکده ریاضی دانشگاه شریف برگزیده شد. بعد از گذراندن دوره کارشناسی به دانشگاه هاروارد رفت و پس از اخذ مدرک دکتری با درجه عالی به عنوان استاد دانشگاه معروف «پرین ستون» مشغول به کار شد. نوآوری ذهنی و خلاقیت های خیرکننده وی منجر به کسب جوایز افتخارات متعدد علمی و نهایتاً به اهداء مدال «فیلدز» بزرگترین و معتبرترین جایزه دنیا که به نوعی «نوبل» شناخته می شود به او داده شد. مریم را می توان در عالم ریاضی با بزرگترین ریاضی دان مانند «می نوتر» مقایسه کرد و بدون شک آثار او در ریاضیات تا سال های متمادی مورد استفاده و بحث مجامع علمی ریاضی و تواضع علمی و سایر خلقیات نیکو دارا بود. که از وی یک انسان به تمام معنا ساخت. مدارج علمی مریم زمینه ساز تأسیس بنیاد مریم میرزاخانی برای شناسایی نخبگان روز چهارشنبه اول آذر هزار و سیصد و نود و شش با حضور سورنا ستاری معاون علمی و فناوری رییس جمهور، خانواده میرزاخانی و اساتید و دانشجویان در دانشگاه شریف برگزار شد.

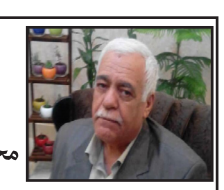


دکتر محمود فتوحی در این مراسم اظهار کرد: مریم به عنوان زن دانشمند به ما آموخت باید تابوی حرکت زنان در حاشیه را شکست. علم در سنت دینی و ملی ما مقدس بوده، مریم میرزاخانی شکوه دوران فارابی و خواجه نصیر طوسی را یادآور شد و به ما برای رسیدن دوباره به آن دوران اعتماد به نفس داد وی تأکید کرد ما هزاران مریم میرزاخانی داریم، اگر آنها را نشناسیم و پرورش ندهیم کوتاهی کرده ایم.
دکتر زهرا پویا استاد دانشکده ریاضی شهید بهشتی در رابطه با الگو بودن مریم میرزاخانی گفت: اتوبوسی که مریم میرزاخانی سالم ماند حکمتی بود تا مریم بماند و رسالتش را برای جامعه علمی به انجام برساند. پس برماست که با شناخت ابعاد انسانی و علمی او نسل های آینده را از برکت وجودش بهره مند سازیم. مریم زنده ماند تا طلسم نابرابری جنسیتی مردان با زنان را در ریاضی و سایر علوم بشکند و چه زیبا شکست. بدون آن که خود بشکند، نابغه ی بی نظیر جهان ریاضی و کسی که طلسم ورود زنان به دنیای ریاضی را شکست مریم میرزاخانی بود. نه بیش و نه کم، در پایان جلسه عادل فردوسی پور دانش آموخته دانشگاه شریف گفت: من متأسفم که ما قدر داشته های خود را نمی دانیم و مریم میرزاخانی در زمره آدم هایی بودند که ما قدر آنها را نمی دانیم که این ها میراث معنوی کشور هستند. با برگزاری چنین مراسم باشکوهی پدر و مادر مریم میرزاخانی به خود می بالند که چنین فرزندی تربیت کردند. پدر مریم میرزاخانی درباره ی بنیاد نیکوکاری مریم میرزاخانی در سخنانی گفت: از همه ی مسئولان دانشگاه صنعتی شریف برای برگزاری مراسم تشکر می کنم، مریم همواره در دوران تحصیل خود از دانشگاه شریف به خوبی یاد می کرد، و ابراز همدردی صمیمانه شما موجب تسلی خاطر ما شد. من در این جا مراتب همدردی خود را با زلزله زدگان کرمانشاه هم اعلام می کنم.
دکتر مشایخی استاد دانشگاه شریف هم با تاکید بر این که هدف اصلی تأسیس بنیاد مریم میرزاخانی کشف استعدادهای درخشان است گفت: نخبگان یک کشور می توانند تحولات فرهنگی بزرگی در کشور ایجاد کنند، اگر ما بتوانیم سازمان و حرکتی را به صورت هدفمند در کشور ایجاد کنیم که زمینه ی شناسایی و رشد استعدادهای کودکان باشد، با حمایت مادی و معنوی از آنان در دهه های آینده مریم های زیاد ظهور خواهند کرد.

منابع:
۱- روزنامه اطلاعات، اول آذرماه ۱۳۹۶، شماره ۲۶۸۷۳، صفحه ۳- سال ۹۲
۲- هفته نامه امید جوان، ۹۶/۴/۳۱، شماره ی ۱۰۲، سال بیست و دوم ص ۴
۳- هفته نامه امید جوان، همان منبع، صفحه ۴
۴- هفته نامه امید جوان، همان منبع، صفحه ۴
۵- هفته نامه امید جوان، همان منبع، صفحه ۴
۶- روزنامه اطلاعات ۱۳۹۶، ص ۳، تأسیس بنیاد مریم میرزاخانی ۲۶۸۷۳
۷- روزنامه اطلاعات ۱۳۹۶، ص ۳، تأسیس بنیاد مریم میرزاخانی دکتر محمود فتوحی ۲۶۸۷۳
۸- روزنامه اطلاعات ۱۳۹۶، ص ۳، تأسیس بنیاد مریم میرزاخانی دکتر زهرا پویا- عادل فردوسی
۹- روزنامه اطلاعات ۱۳۹۶، ص ۳، تأسیس بنیاد مریم میرزاخانی ۲۶۸۷۳

شما مردم قدرنشناسی هستید

ماجراهای آقای ویلی (۳)



محمدرضا دباش

در سال ۵۶ آ. پ بوشهر (اداره کل) وظیفه ای به بنده محوَل کرد تا آن را انجام دهم. تمام کردم و گزارش آن را تحویل اداره دادم. بعد از چند روز یکی از مسئولان از من خواست که یک نسخه کامل تهیه کنم تا اداره برای وزارت خانه بفرستد، باز هم گفتم چشم. دیدم هیچکس بهتر از ویلی نیست که این کار را انجام دهد، بساطم را برداشتم و به خانه ویلی رفتم او هم با کمال میل پذیرفت و گفت: ای ول مستر دباش (of course.By all means) این جمله ویلی یادم نمی رود که صادقانه بیان کرد. قبل از این که به خانه ویلی بروم، از فروشگاهی که پشت سینما پارس بوشهر بود، مقداری گوشت خریدم و برای او بردم. آقای ویلی گفت: ما گوشت زیادی در فریزر داریم شما چرا زحمت کشیدید؟ آقای ویلی درست می گفت. در این هنگام همسرش در حالی که مقداری گوشت در دست داشت جلوی سگی که در آن جا پرسه میزد انداخت. آن سگ بخاطر اینکه تغذیه مناسب از درگاه پربرکت ویلی نصیبش شده بود، بسیار قبراق، چالاک و ورزیده بود که به تمام سگ های هم محله ای اش حمله می کرد و به آن ها اجازه نمی داد که نزدیک خانه ویلی بشوند. آن سگ های معصوم و گرسنه، قصد اذیت کردن نداشتند، فقط پی برده بودند چرا این سگ که تا دو ماه پیش مثل خودشان لکه و لهوز (ضعیف و بیچاره) بود و حالا برای آن ها دم درآورده است. سگ ها چند تا پارس کردند ولی دیگر توان پارس کردن نداشتند. گرسنه بودند و از فرط گرسنگی زوزه می کشیدند و با حسادت خاصی به آن سگ سیر و قوی نگاه می کردند و زیر لب می گفتند: «این کاپو تا دیروز برای یک تکه استخوان، التماس ما می کرد حالا برای ما پلنگ شده. بلاخره خدا روزی رسان است، یکی پیدا می شود ما را به نان و نوایی برساند. این سگ ها هیچ وقت حرف زشت و ناسزا به هم نمی گفتند. مرام آنها این نبود که به هم نوع خود بد و بیراه بگویند، مثلا هیچ وقت به هم نمی گفتند برو مادر روباه، پدر کفتار، مرده شور آن سر و پرتاکت ببرند و ... . برخلاف بعضی ما انسان ها که هر چه تهمت و افترا است به هم می زنیم و به عزیزترین عزیزان خود بدترین عنوان می دهیم، عجب روزگاریست! سگ ویلی به طرف ویلی آمد ولی آقای ویلی از عمل سگش راضی نبود. ویلی گفت: روزهای جمعه که فیدل می شویم (فیدل اسم سگ ویلی). مرتب بهش توصیه می کنم که تو حق نداری به سگ های دیگر اذیت و آزار برسانی. من در توانم نیست که همه آن ها را نگه داری کنم. همسر ویلی حرف های ویلی را تأیید کرد و در جواب گفت: خواهر ویلی هم در آمریکا از سگ های زیادی مواظبت می کند. فیدل نگاهی به من انداخت مثل اینکه از قیافه من خوشش نمی آمد و دلش نمی خواست من آنجا باشم. بدجور به من خیره شده بود. در نگاهش، حرفها و درد و دل های زیادی داشت که می خواست اینطور مرا خطاب کند: «شما مردم قدرنشناسی هستید، یادتان رفته که نیاکان من چقدر برای شما زحمت کشیده اند؟ از گله، رمه، خانه و مال و جانتان حفاظت کردند و بعد هم خوب به ما پاداش دادید! دست شما درد نکند. همین که وضعتان خوب شد زیر کُفّه ما زدید (زیر قول زدن). هر چه غذای خوب بود به سوگلی های خودتان می دادید تا شیر و گوشت و لبنیات خوب نصیبتان بشود، ما اصلا پخی حساب نمی شدیم. یادت هست همین که در کوچه های شما در تلکدون ها (زباله دان) دنبال یک تکه استخوان می گشتیم چه بلایی سر ما می آوردید. شما در خانه های تان راحت نشسته بودید و زندگی می کردید. ولی ما آواره و سرگردان، بی کس و بی پناه، بی صاحب و گرسنه راه و چاهی نداشتیم و مجبور بودیم روی سبخ های برابر سینما فانوس بخوابیم. فقط می خواستیم بخوابیم ولی شما رفتید به شهرداری و گفتید: سگها نمی گذارند که ما شب ها بخوابیم. مأمورهای شهرداری آمدند و به ما زهر دادند و جسدهای ما را در سبخ هایی که منزل و ماوای ما بود دفن کردند.» فیدل یا همان کاپو غضبناک شده بود.
فیدل غضبناک شده بود و با عصبانیت حرف هایش را ادامه می داد. سپس رو کرد به من و گفت: ((شما هر بلایی سرتان می آید گردن ما می اندازید، با هم دعوا می کنید، در جواب همدیگر می گویید اخلاق تو سگیست، بچتون گریه می کند، می گویید: این بچه مثل سگ وک می کند. هر گرفتاری برای شما پیش می آید ما را مسئول می دانید، آخر به ما چه که شما چه می خورید، چه می نوشید و چه می پوشید. حالا ما چگونه می توانیم از شما انتظار محبت داشته باشیم. پارسال گوسفند عمو رمضون مرده بود.
بچه های جبری از جمله زاغو قصاب، نمکو دو قیاسی، احمد و کل عبداله و چند بچه خرده دیگر، لش گوسفند نگون بخت به قبله آوردند (روبرو سینما فانوس) و می خواستند آن را دفن کنند.
عمو رمضون این گوسفند خریده بود و نذر کرده بود که هر وقت پسرش موندنی از سربازی مرخص شود، این گوسفند را جلو پایش بکشد. عمو رمضون و اهل خانواده خیلی به گوسفند می رسیدند، خوب غذایش می دادند مثل جو، پوست هندونه و هر چیز دیگر دستشون می رفت به گوسفند می دادند. یک روز یکی از نوه های عمو رمضون، نان خشکه زیادی جلو گوسفند نگون بخت ریخت. گوسفند هم تا توانست خورد تا شکمش باد کرد، ناگهان بانگ فرا رسید و گوسفند بیچاره به دیار باقی شتافت. زاغو قصاب هر روز به خانه عمو رمضون می رفت و سوال می کرد که موندنی کی از سربازی می آید تا بیاید و گوسفند را سلاخی کند؟ زاغو که می خواست فقط پوست و کله و روده گوسفند صاحب شود، به آرزویش نرسید. خلاصه گودی کنده شد و چهارپاهای گوسفند در آن گود گذاشتند و گوسفند مرده بخت برگشته را ایستاده نگه داشتند. این زاغوی قصاب نالوطی رفت روی گوسفند نشست، شاخ های گوسفند را در دست گرفت و ادای اسب سواران در می آورد. بعد بدون آن که آن را دفن کنند، هر کس به جایی رفت. من و دوستانم کمین کرده بودیم که بعد از دفن گوسفند، حمله کنیم و شکممان را سیر کنیم. به سرعت هر چه بیشتر به سوی سفره باد آورده شتافتیم و دور جسد حلقه زدیم و مشغول به خوردن شدیم. عجب گوشت گرمی! ما که آرزوی یک تکه گوشت سرد کفنی داشتیم، به نان و نوای خوبی رسیده بودیم. هنوز بدن گوسفند گرم بود و لابلای پشم هایش، خارهای ریز پیدا می شد، خارهایی که مانند پولک های رنگارنگ به پشم گوسفند چسبیده بودند. گوشت و شکمبه گوسفند آبدار بود و ما که تشنه بودیم با خوردن آن ها رفع تشنگی می کردیم.
همان طور که اوایل دهه چهل «کاسیوس کلی» سونی لیستون را در گوشه رینگ هوک باران کرد و ناک دونش کرد، من هم توسط فیدل مشت باران می شدم. هر چه دلش می خواست به من می گفت. گویی دیواری از من کوتاه تر پیدا نکرده بود. آخه فیدل بی انصاف! همه دق دلی نمی شود روی سر یک نفر خالی کنی.
در این هنگام فیدل نگاهی به ویلی و زنش کرد و یک نگاه غضب آلود هم به من انداخت و ادامه داد: اگر این آدم (ویلی) نبود یک عدد کپ (گاز) بزرگ نصیبت می کردم که تا جبری بوا بوا کنی و راه خونتون گم کنی و سر از شکری و صلح آباد در بیاری تا بدانی ویلون سیلون بودن (حیران و سرگردان) یعنی چه؟ چهار قنی (قران) پیل نفت گیرتان میاد می خواید دنیا آخر کنید. در عوضی که بداد و فریاد مردم خودتان برسید خرج ایل و اوول (اینجا و آنجا) می کنید. هنوز یک سوزن ته گرد بلد نیستید درست کنید، سوار طیاره می شید و برای تفریح به فرنگ می روید. در این هنگام نگاهی به ویلی انداخت و گفت: آقای ویلی اگر درست نمی گویم بزن تو گوشم و از خانه ات بیرونم کن. آقای ویلی سرش تکان داد و حرف های سگ عصبانیش را تأیید کرد.
ادامه دارد...

گزارش های فساد هر روزه و خطر بی اعتنایی مردم

دکتر سعید معدنی



این روزها شاهد پخش اخبار مختلف از اختلاس های چند صد و چند هزار میلیاردی، قانون شکنی ها از سوی مدیران دولتی و حکومتی و موسسات مالی، فخر فروشی های ثروتمندان که از پول این ملت به ثروت های افسانه ای رسیده اند و آنها را در شکل مدل اتومبیل، ویلاهای لاکچری، مسافرتهای متعدد به خارج از کشور به نمایش می گذارند، هستیم. در کنار آن خیل عظیم مردمان فقیر، جوانان بیکار، و افزایش قیمت مسکن و دارو و کالاهای اساسی را شاهدیم. اما سؤال اینجاست که چرا مردم بی تفاوت و بی اعتراض از کنار این همه دزدی و اختلاس می گذرند.
سرداری در صفحه تلویزیون حاضر می شود و می گوید ۲۰ سال پیش به دستور وزیر کشور وقت به کوی دانشگاه تهران حمله کرده سپس همان وزیر اطلاعیه می دهد که سردار دروغ می گوید! این وسط هیچ واکنشی از سوی مردم رخ نمی دهد و هیچ اتفاقی نمی افتد. اینجا یک اتفاق افتاده است، اینکه یا سردار که زمانی جان و ناموس و امنیت مردم دستش بوده اشتباه کرده یا وزیر کشور که لباس روحانیت بر تن دارد.
هجوم انبوه خبر های این چنینی و اینکه افراد جامعه از کنار آن با تمسخر و سکوت و بی تفاوتی رد می شوند اصلا برای جامعه و حکومت خوب نیست. نزدیک ترین دلیلی که به ذهن می رسد این است که مردم امیدی به اصلاح امور ندارند.
خبر دزدی و اختلاس و فساد در همه سطوح حکومتی به شکل رسمی و غیر رسمی به وفور پخش می شود. می بینیم که پسر، داماد، و اقوام فلان وزیر و وکیل و شهردار و سردار، که از قبل ایشان به ثروت میلیاردی رسیده اند، افشا شده و دستگیر و روانه زندان شده اند، اما این مسئولین همچنان در پست خود هستند. در حالی که حداقل انتظار اخلاقی آن است که آن مسئول استعفاء دهد. اما آب از آب تکان نمی خورد. فرزند و داماد فلان مسئول دزدی کرده و در شبکه مجازی دست به دست چرخیده، سپس مردم شب می بینند که وی در تلویزیون ظاهر می شود و درباره حوزه مسئولیتش صحبت می کند. مردم هم با خشم و ناراحتی و زهرخند کانال عوض کرده و کانال های ماهواره ای تماشا می کنند. در حالی که در کشورهای توسعه یافته و قانونمند، افشای یکی از این اختلاس ها می تواند فرد مسئول را برای مدتی یا برای همیشه از عرصه سیاست و مسئولیت حکومتی حذف کند.
اما سوال این است که چرا مردم با شنیدن و بیان اخبار اختلاس و فساد و دروغ گویی، با بی اعتنایی و تمسخر از کنار آن می گذرند؟
دکتر علی شریعتی در یکی از سخنرانی هایش مقایسه ای بین سالهای نخست حکومت اسلامی در حجاز و چند دهه بعد (دوره عباسیان) می کند که برای امروز ما عبرت آموز است.
وی می گوید در زمان خلیفه دوم که هنوز چند سالی از رحلت پیامبر نگذشته و هنوز مردم عدالت طلبند، در یک جنگ پارچه هایی به عنوان غنیمت بین جنگجویان به نسبت مساوی تقسیم می شود. اما فردای آن روز دیدند که خلیفه پیراهنی از همان پارچه بر تن کرده اما پارچه بیشتری را مصرف کرده است!. پرسش کنان او را به مسجد فرا می خوانند که مقدار پارچه اضافی را "از کجا آورده است؟!" خلیفه دوم فرزند خود را شاهد آورد که این پارچه اضافه از آن فرزندم است که در جنگ حضور داشته و سهم وی می باشد، سپس مردم آرام می شوند، چرا که عدالت خدشه دار نشده.
سپس شریعتی ما را، به چند دهه بعد، به دوران عباسیان و مراسم پر خرج عروسی عباسه و جعفر برمکی می برد، که در این مراسم تپه تپه غذا اضافی و اسراف شده در بیابان ریخته شده است و در کنار آن انبوه مردمان فقیر با زندگی فلاکت بار وجود دارند، اما مردم در سکوت فرو رفته و اعتراضی نمی کنند. کسی مسئولین و یا خلیفه را به مسجد فرا نمی خواند و از این همه گناه و اسراف و فساد و تباهی سؤال نمی کند.
سال های نخست انقلاب اسلامی اگر مسئولی خانه بزرگتری داشت، و یا ماشین شیک تری سوار می شد مردم حساس بوده و سؤال می کردند که او از کجا آورده است؟ حتی مدت ها بحث و جدل بود بر سر اینکه مسئولین چرا باید ماشین ضد گلوله سوار شوند؟. سالها این کشمکش ادامه داشت تا مردم قانع شدند که برای حفاظت از جان مسئول در مقابل تروریستها، به حفاظت و ماشین ضد گلوله نیاز دارند.
آن تصویر سالهای نخست انقلاب را با امروز مقایسه کنید و گستره فساد و ترویج اشرافی گری را ببینید تا دستمان بیاید که چرا مردم بی تفاوت و بی اعتنا از کنار این همه فساد و اختلاس رد می شوند. اگر این شبکه های مجازی نبودند شاید این همه فساد و قصور افشا نمی شد و چپاولگران همچنان به غارت ثروت مردم ادامه می دادند.
برای جلوگیری از فساد در این یادداشت کوتاه تنها می توان گفت حکومت باید به مردم اعلام کند که فسادها و قصور را گزارش کنند و حتی گزارش گران دزدی و فساد در صورت صحت تشویق شوند. اما بعضاً شاهدیم که افشاگر بازداشت می شود!، نمونه بارز آن، افشاگر املاک نجومی در زمان شهردار اسبق بود که مدتی بازداشت شد.

نسیم جنوب ۷
ورزشی
شماره ۸۹۳ دوشنبه ۳۱ تیر ۱۳۹۸
NASIM JANOUB

مسافر فوتبال (۱۱)

شاهینی ها و ایرانجوانی ها در بازار بوشهر

خاطرات محمود ابراهیم زاده ملی پوش فوتبال بوشهر



تیم بوشهر ـ اعزامی به دزفول ۱۳۵۳
ایستاده از راست: هاشم گلابیان ـ پرویز فرشید ـ محمود مشایخ ـ ماشاله عال حسینی ـ صادق آتش فراز ـ محمد نیکفر ـ حبیب تنگستان ـ ناصر سلمانی ـ احمد بدید ـ قاسم غفوری
نشسته از راست: نجف گلستان ـ محمد سلیمانی ـ مصطفی قنبری ـ غلامرضا صفایی ـ احمد حق شناس ـ ابوالقاسم ماهینی ـ قاسم علوانی زاده ـ حسین وردیانی ـ حیدر عبداله زاده

شب که از خونه عامو علیباش خرمایی با ننم (مادرم) رفتیم خونَش، دیگه همونجا پیشش موندم و تا قبل از اینکه بخوابیم خیلی حرف زدیم، ننم مخصوصا اصرار داشت همیکه کنترات بسسی (قرارداد بستی) کمی پیل (پول) سیم بفرس تا ای بدهکاری و قرض بانک کو بدم.
همی کِین رفیقت که فوتبال بازن؛ سی ایرانجوانم بازی می کنه ضامن وامُم شدا؟
بچه صفر چوبیخشها!
ها! مجید چاهیبخش میگی؟
ها ننه ۴۰۰ تؤمن قرض بانگ بیدا!
گفتم باشه ننه؛ حتما ایکار می کنم.
بعد کلی حرف و درد دل مادر پسری خوابیدیم، صبح کمی زودتر از روزای دیگه از خواب بیدار شدم، دیدم مادرم تو حیاط چند تکه ذغال گذاشته تو منقل و تنوره (بادگیر) هم وسط منقل رو ذغالها گذاشته؛ جوری که مثل دودکش غراب (کشتی بزرگ باربری اقیانوس پیما) دود از دهنش خارج می شد؛ با انبر کوچیکی که تو دستش بود ذغالایی که دود می کردن رو یکی یکی می گرفت و می چپوند زیر بادگیر که زودتر سرخ و آتشی بش، همینجور که ذغالا رو جابجا می کرد زیرلبی غر می زد و لُنده می داد که ای تو گور بوواش و ذغالش، ئی نگبتی مح غلوم تیر تو چیش خورده هر چی ذغال نسوزن رِخته تو گونیکو و داده تِمون، صُبا گونی ذغالیکو میدمِ دِسِه میشتی خدارحم تا ببره بریزه جلو دکونش، و چارتا فحشش هم بده. عاجز میشم تا یه خُرُنگ تشی بیگیره. (یه تکه ذغال سرخ و آتیشی بشه).
رفتم دستشویی و آبی به سر و صورتم زدم و یه کاسه کوچیک آب آوردم تو خونه و بسته ریش تراشیم که عامو خدر محدیوز (بارانی) از کِتَر (قطر) برام آورده بود باز کردم و نشستم تو اطاق و آینه کوچیک و چارگوش قدیمی که مادرم هر وقت میخواست صورتش بند بندازه ازش استفاده می کرد گذاشتم روبروم و به کوپیرک (سبد دردار) حصیری مادرم که وسایل خیاطیش مثل نخ و سوزن و انگشتونه و دکمه سنجاق و اینجور خرت و پرتا توش بود و سنگین هم بود تکیه اش دادم و بعد یه دونه تیغ مارک ناست انگلیسی از بسته کوچیک بنفش رنگش درآوردم و سر جاش تو خودتراش فیکسش کردم. بعد فرچه مخصوص رو با آب خیس کردم و چند بار کشیدمش رو صابون یاردلی که نرم کننده هم بود و خلاصه کف درست شده رو، رو صورتم پخش کردم و ته ریشی که داشتم تراشیدم؛ بعد یه کم از ادکلن ۷۰۷ ریختم کف دستام و کشیدمشون به صورتم.
بعد از اینکه کار ریش تراشیدن تمام شد رفتم تو پستوی خونه که لباسمو بپوشم، حالا دیگه منقل مادرم هم پر بود از ذغالای سرخ و آتشین که گرمایی مطبوع به اطاق داده بود. چند تا تخم مرغ کنار آتیش و لابلای خاکسترای داغ منقل به ردیف نشونده بود؛ قوری چای هم گوشه دیگه منقل و در همسایگی کتری رویین دود زده نشسته بود و هر از گاهی یه صدای نازک و سوت مانند از دهنه کتری آب جوش در میومد و همه اینا با هم فضای خاصی به فضای گرم اطاق می داد، دوتایی نشستیم کنار منقل؛ مادرم یه دونه از تخم مرغا برداشت و با دستمالی که کنارش بود خاکسترای روشو پاک کرد و داد به من و گفت بخور ننه، ئی دو تِی دیگه هم بخور تا ته دلت بگیره، اینا که خوردی، دیگه رفت تا ظهر!.
صبحونه را خوردم و از خونه زدم بیرون؛ پیاده قدم زدم تا سر خیابون سنگی (پهلوی)؛ کنار خیابون منتظر ایستادم که با تاکسی برم دروازه شهر. یه تاکسی که داشت می رفت بطرف شهر با اشاره دستم ترمز زد و چند متری جلوتر ایستاد، چند قدم سریع برداشتم که برم سوار بشم، که با صدای بوق ماشین عقبی نگاهمو برگردوندم بطرفش؛ ماشین پیکان قهوه ای رنگ محمدرضا خجسته پی بود دروازه بان شاهین، که با اشاره دستاش می گفت بیا با هم بریم طرف شهر.
تاکسی که ماجرا رو فهمید؛ رفت و من هم رفتم که سوار پیکان ممدرضا بشم، دیدم خلیل میگلی هافبک شاهین هم رو صندلی جلو نشسته، در عقب را باز کردم و سوار شدم، محسن فقیه دروازه بان دوم شاهین هم رو صندلی عقب نشسته بود، سلام و خوش و بشی کردیم...
ممرضا خجسته عینک تیره آفتابیش با انگشتش کشید پایین تا نوک دماغش و از تو آینه باریک و دراز جلو ماشینش نگاهی به من انداخت و گفت اول صبی اینجا چه میکنی؟ خلیل میگلی یواش بهش گفت به تو چه که اینجا چه میکنه؟
پشت بندخلیل؛ محسن فقیه گفت ئی فضول محله نمی تونه خوش بگیره!
ممرضا دکمه فندک ماشینش فشار داد بعد یه نخ سیگار هاف اند هاف از تو داشپورتش درآورد و روشن کرد و شروع کرد به پک زدن و دود کردن، که صدای اعتراض محسن بلند شد!
ممرضا جون خُت؛ ترا بخدا خاموشش کن؛ الان چیشمون پر دید (دود) میشه و تا شو (شب) هی باید بمالیمش! نمیشه یک ساعت آروم جنبت بیشینیم؟
خلیل گفت: محسن امروز سر تمرین به جواد گرانبها بگو تا بازیش نده؛ هفته دیگه هم خُت وُیسَک تو گل!
و زدن زیر خنده!
رفتیم تا رسیدیم سر چار راه نادر که سر نبش سمت چپش دکون مصطفی بستنی فروش بود که همیشه تو پیت بزرگ مخصوص بستنی سازیش، قند گلاب درست می کرد، روبرو مصطفی طرف مقابل چهارراه؛ مغازه لوکس فروشی بابای ممرضا خجسته بود و سمت راست چهارراه، قصابی حمید قصاب بود که جلو دکون رنگ فروشی کردستانی قرار داشت و اگر چند قدم سمت راست میرفتی بالاتر مدار آردی حاج حبیب فیوض بید، که همیشه زیر پیرهن سفید ململ تنش بود و عرق چین سفیدی رو سرش؛ رو کرسی نشسته بود و یه عصای زرد رنگ از جنس چوب ارژنی براق کنار دستش داشت.
ممرضا از سر چهار راه کمی رفت بالاتر نرسیده به ورودی بازار میوه فروشی صفا پارک کرد؛ تا از ماشین دراومدیم غلام شاه قلی همینجور که با ساطور داشت رون بره رو کنده قصابیش تکه می کرد داد زد:
شیر شاهین! همه جا شاهین!
بعد خنده ای کرد جوری که دندونای سفید و ردیفش دیده شدن!
و دوتا سرگُلُپای (لُپای) سرخش تا زیر چیشاش رفت بالا!
چون شتاب داشتم زود از بچه ها خداحافظی کردم و رفتم اول ورودی بازار دم انبار میوه آقای دریابگرد که مسی (معصومه) دریابگرد ببینمش، مسی از دوستان دوران کودکیمان بود و تنها دختری بود که تا دوره دبیرستان با تیم پسران در محلات فوتبال بازی می کرد.
و در واقع اولین دختر فوتبالیست ایران بود و برای تیم پسران جبری دروازه بانی می کرد و بخاطر سرعت در دویدن، بعضی مواقع هم در پست فوروارد گلزنی می کرد، مسی (معصومه) در مسابقات آموزشگاهی استانی و منطقه ای و کشوری در رشته دو، مقام های اول تا سوم مدال آوری کرده بود....
وقتی وارد مغازه شدم دیدم مسی یه دفتر کهنه سیمی تو دستش گرفته و یه مداد کاپی هم پشت گوشش و میون موهای کر کرنجیش که مثل محمدعلی کلی بود گذاشته بود و مشغول شمارش صندوقای میوه انبار شده بود.....
سلام کردم، سرش برگردوند به طرفم و یهو جا خورد! تو خُ اینجایی؟ می نِ قرار بی که مشهد یا تهرون باشی؟ گفتم چرا، یه هف هش ده روز دیگه میرم....
هوشنگ خان نشونی سه تا خونه تو محله کوتی نزدیک خونه گشمردی و جنب منبع بزرگ آب دم مسجد کوتی (شیخ سعدون) به علیدا و لاندا بوزانکا و شلکو داد که میوه ها را ببرند اونجا و گفت در خونه که میزنی بپرس اینجا خونه فلان بازیکن ایرانجوانن؟
بعد اسم سه تا بازیکنای ایرانجوان بهشون گفت که مبادا عوضی جایی دیگه ببرن، علیدا و لاندا بوذانکا چون طرفدار شاهین بودن، فوری شناختنشون، ولی هوشنگ انگشتش نهاد رو نوک دماغش و گفت مبادا جایی این موضوع سی کسی بیگینا!
بعد نفری یه تومن هم بهشون دستمزد داد؛ تا خواستن راه بیفتن که برن، از تو جیبش یه اسکناس ۱۰ تومنی هم درآورد و گفت علیدا، بیو ای پول وردار همین جا روبرو دم قصابی شاه قلی سه تا تیکه گوشت هم بخر و تو هر زنبیلی یه تیکه بذار!
اونا که رفتن هوشنگ گفت محمود بخدا آدم نمی دونه چه بکنه، ای سه تا بازیکن جوون هستن و نیاز به کمک دارن، اگر ما هم کمکشون نکنیم، کی باید کمک کنه؟
با هم از مغازه میوه فروشی دریابگرد بیرون اومدیم؛ چند قدمی با هم تو بازار رفتیم که مرد سیاهپوست و لاغراندامی که گونه های برجسته و استخوانی داشت با تکون دادن دست به هوشنگ خان ادای احترام کرد، و گفت هوشنگ خان کاری نداری؟
هوشنگ گفت بله بیو اینجا!
بعد از اینکه اومد پیش ما معرفیش کرد و گفت محمود جان ئی آقا رسولن! میشناسیش؟
گفتم نه!
گفت ئی آقا رسول چمن اسمشن و از بهترین دمام زن های بوشهرن، کوتی و بهبونی هم دمام میزنه، رسول دستش به طرفم دراز کرد و دست داد، هوشنگ خان هم بهش گفت رسول؛ آقا محمود میشناسی؟
گفت نه، کِین؟
جوابش داد، محمود ابراهیم‌زادَن؛ گلزن شاهین، بچه آقای ابراهیم زاده که تو شهرداری کار می کنه. رسول چمن با خوشحالی گفت به به، چه خوب شد که گفتی، آقا والله با بووات صحبت کن بینیم نمی تونه یه کاری سی ِما بکنه، استخدامم کنه تو شهرداری.
مو رفیق کل وِیس (رحمانی) که سِریدار شهرداریِن هسوم و تو قلندرخونه مججت (مسجد) هم کار کردم!
گفتم باشه چشم امشو برم خونه به بووام میگم.
هوشنگ از تو جیب پشت شلوارش یه چک بانکی درآورد داد دست رسول چمن، گفت ای ببر بانک عمران؛ روبرو مججت فیل، نزیک دریا، نقدش کن و اِمشو پولکو بیار مسجد ازت می گیرم.
بعد از رفتن رسول چمن؛ هوشنگ خان گفت محمود جان موفق باشی؛ اما موضوع ئی صندوق میوه ها جِی نگی ها! بچه ها خجالت میکشن!



محمدرضا خجسته پی دروازه بان شاهین بوشهر، عباس احمدی دفاع شاهین، احمد تورانی، محمود ابراهیم زاده



جواد گرانبها مربی محمدرضا خجسته پی دروازه بان، رضا ماهینی و محمود ابراهیم زاده از شاهین بوشهر



حاج حبیب فیوض مالک مدار آردی کارخانه آرد بوشهر)

خطر انحلال پارس جنوبی جم را تهدید می کند



تیم فوتبال پارس جنوبی جم به دلیل مشکلات مالی در آستانه انحلال قرار گرفته تا جایی که شاید این تیم نتواند در فصل نوزدهم لیگ برتر شرکت کند.
سرمربی تیم فوتبال پارس جنوبی جم در جمع خبرنگاران گفت: کل بودجه این تیم برای جذب بازیکن نزدیک به ۷۰ میلیارد ریال بوده که پیش گرفتن این روند ما را به عنوان ارزان‌ترین تیم لیگ معرفی می کند.
فراز کمالوند افزود: در بین بازیکنانی که به خدمت گرفته شدند ۷۰ تا ۸۰ درصد آنها قراردادهایی بین ۲ تا ۴ میلیارد ریال دارند و تنها سه تا چهار قراردادی گران‌تر از سایر بازیکنان قرارداد دارند.
وی ادامه داد: این تیم از حدود ۴۰ روز پیش کار خود را شروع کرده و پس از تست گیری بازیکنان مد نظر را با توجه به شرایط باشگاه جذب کردیم.
سرمربی تیم فوتبال پارس جنوبی جم گفت: در این زمینه نهایت تلاش‌ها بر این بوده که با توجه به کاهش بیش از ۳۵ درصدی بودجه، تیم خوبی روانه مسابقات لیگ برتر کنیم.
وی گفت: با تمام تلاش‌هایی که صورت گرفته تاکنون هیچ پولی به مجموعه پارس جنوبی تزریق نشده که این مساله باعث نگرانی کادر فنی و بازیکنان است.
کمالوند ادامه داد: این در حالی است که پارس جنوبی جم به مسابقات لیگ برتر نزدیک شده و با این روند نمی دانم چه سرنوشتی در انتظار پارس جنوبی است و انتظار داریم مسئولان هر چه سریع‌تر فکری به حال این تیم کنند.
وی افزود: این تیم همه دغدغه و دلخوشی مردم استان بوشهر و بویژه شهرستان جم است و دوست نداریم با روندی که پیش می‌رود در آستانه انحلال قرار گیرد.

ورزشکاران کم بینای استان بوشهر در رقابت‌های لهستان مدال کسب کردند



ورزشکاران دو ومیدانی کار نابینا و کم بینای استان بوشهر در رقابت های بین المللی لهستان به مقام های برتر نایل شدند.
رئیس هیأت نابینایان و کم بینایان استان بوشهر به خبرنگار ایرنا گفت: تیم منتخب دوومیدانی نابینایان وکم بینایان استان بوشهر که به عنوان نماینده جمهوری اسلامی ایران در رقابت‌های بین المللی کشور لهستان حضور یافتند تاکنون چندین مدال کسب کردند.
محمدرضا ابراهیم زاده افزود: در نخستین روز این رقابت‌ها در ماده پرتاب وزنه کلاس اف ۱۲ علی شمشیری با ثبت رکورد ۱۲.۴۳ مدال برنز و امیر خسروانی در ماده دو ۱۰۰ اف ۱۲ مدال نقره را کسب کرد.
وی اظهار داشت: در دومین روز امیر خسروانی در پرش طول با ۷.۰۹ متر و عذرا مهدوی کیا در پرتاب نیزه با ۳۵.۴ متر هر دو طلا گرفتند.
رئیس هیأت نابینایان و کم بینایان استان بوشهر گفت: سطح توان و آمادگی ورزشکاران شرکت کننده کشورهای حاضر در این رقابت‌ها بسیار بالاست و نماینده ایران تاکنون خوب درخشیده است.
وی گفت: تیم اعزامی کشور در تورنمنت ۹ روزه بین‌المللی لهستان در شهر بیدگوشچ متشکل از ۱۲ ورزشکار، مربی و کادر سرپرستی همگی از استان بوشهر حضور دارند.

هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

نسیم جنوب

nasimjonoub.com

صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
مدیر مسئول و سردبیر: یونس قیصی زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس،
کوچه بوستان ۳۰ (جانباز)، دفتر نسیم جنوب
تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰-۰۷۷ فاکس: ۳۳۳۲۸۵۱
تلفن همراه: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
ایمیل: info@nasimjonoub.com
صندوق پستی ۱۱۹۹
لیتوگرافی و چاپ: کارگر



تلفن های تماس
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷۳۳۳۲۵۹۰۰
۰۷۷۳۳۳۲۸۱۵۱

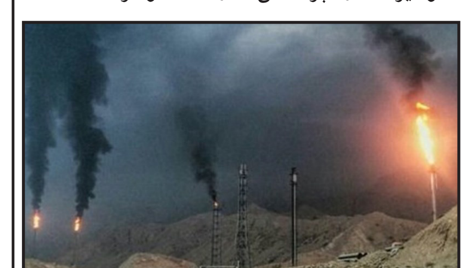
هفته نامه نسیم جنوب،
دیرپاترین نشریه تاریخ بوشهر

مدیرکل محیط زیست استان بوشهر:

محیط زیست علیه انبارهای گوگرد روباز عسلویه شکایت می کند

مدیرکل محیط زیست استان بوشهر گفت: انبارهای روباز گوگرد در عسلویه یکی از منابع آلاینده محیط زیستی در عسلویه است.

به گزارش از روابط عمومی اداره کل حفاظت محیط زیست استان بوشهر، فرهاد قلی نژاد در جمع خبرنگاران اظهار داشت: پراکنش ذرات گوگرد علاوه بر آلودگی خاک در منطقه، موجب آلودگی هوا نیز شده است به همین خاطر در راستای جلوگیری از پراکنش ذرات گوگرد، احداث



انبارهای سرپوشیده و مکانیزه از راهکارهای اساسی ذخیره سازی و انبار گوگردهای تولیدی است.

مدیرکل حفاظت محیط زیست استان بوشهر در این زمینه افزود: با توجه به آلودگی ناشی از انبارهای گوگرد و مهلت های متعددی که جهت احداث انبارهای سرپوشیده و مکانیزه توسط این اداره کل داده شده، که متأسفانه اقدام قابل قبولی از سوی متولیان به انجام نرسیده است لذا وفق قوانین و مقررات و با توجه به اتمام مهلت شکواییه علیه متولیان انبارهای روباز، این اداره کل شکایتی را با این موضوع تدوین و به مراجع قضایی ارائه خواهد نمود.

قلی نژاد همچنین هشدار داد: که سازمان حفاظت محیط زیست از هیچگونه آلودگی چشم پوشی نخواهد کرد و ابتدا با اعمال مهلت مناسب جهت رفع آلودگی اقدام و سپس نسبت به معرفی واحدهای آلاینده به دادگستری اقدام خواهد نمود.

شایان ذکر است که پیگیری احداث انبارهای سرپوشیده و مکانیزه گوگرد؛ یکی از خواسته های سازمان حفاظت محیط زیست بوده که پس از مهلت های متعدد تحقق نیافته است.

برخورد خشن مأمور شهرداری آبدان بوشهر با کودک افغان پیگیری می‌شود

بخشدار آبدان استان بوشهر گفت: باید با مأمور شهرداری که به منظور جلوگیری از تخلف احتمالی یک کودک افغان از قوه قهریه استفاده کرده و رفتار غیر انسانی داشته برخورد جدی و نسبت به حق تضییع شده این کودک جبران مافات شود.

ابوالحسن گنخکی در گفت و گو با ایرنا ضمن تایید برخورد خشن مأمور شهرداری آبدان با کودک افغان که با کتک زدن و پرتاب آن همراه بود افزود: شهردار آبدان موظف به انجام اقدامات قانونی برای تنبیه و تعلیق این نیرو تا تصمیم نهایی مراجع مربوطه است.

وی اضافه کرد: اقدامات قانونی لازم نیز از طریق مراجع قضایی در مورد این عمل اجرا خواهد شد.

بخشدار آبدان اظهار داشت: اعمال هر گونه خشونت و رفتار غیرقانونی بویژه توسط نیروهای شهرداری محکوم است و برای جلوگیری از تکرار این اتفاقات، باید با قاطعیت تمام با چنین نیروهایی برخورد قانونی شود.

ویدئویی در این زمینه در فضای مجازی منتشر شد که واکنش‌های بسیاری در پی داشته است.

در این ویدئو یکی از کارکنان شهرداری برخورد خشنی با کودک هشت ساله افغانستانی در شهر آبدان نشان می دهد.

آبدان از توابع شهرستان دیر در فاصله ۱۵۰ کیلومتری جنوب بوشهر قرار دارد.

جنون؛ عامل مرگ دختربچه توسط پدر

فرمانده انتظامی استان بوشهر گفت: مردی که در یک تصمیم آنی دختر ۷ ساله خود را خفه کرده بود تسلیم پلیس شد.

به گزارش «صدای استان»؛ سرتیپ دوم خلیل واعظی در خصوص جزییات این حادثه بیان کرد: فوت یک کودک هفت ساله در بیمارستان شهر جم به پلیس گزارش شد.

وی اضافه کرد: با حضور کارآگاهان پلیس آگاهی فردی به هویت "محمود" با معرفی خود به عنوان پدر دختر فوت شده گفت که "پارمین" را به اندازه تمام دنیا دوست داشتم. ساعت ۸ شب بیرون آمدیم تا برایش "مرغ مینا" بخرم و یک ساعت بعد او را در بغلم خفه کردم تا از این دنیا آزاد و به بهشت برود!

سردار واعظی با ابراز تاسف از این حادثه بیان کرد: متهم که شاغل در یکی از شرکت های زیرمجموعه پتروشیمی عسلویه و ساکن جم می باشد، به منظور تکمیل تحقیقات در اختیار پلیس آگاهی می باشد.

نقش بندی تاریخی پارس، بر جهان کروی

علیرضا مشایخ - پاریس

کتابخانه ملی فرانسه (فرانسوا میتران) در حال برگزاری نمایشگاهی با عنوان جهان کروی است؛ که به معرفی کره های زمین و نقشه های جغرافیایی موجود در این کتابخانه اختصاص دارد. از نظر تاریخی این مجموعه، از قدیمی ترین ایام تا پایان قرن نوزدهم را در بر می گیرد.

کره ها در طول انقلاب علمی از کپرنیک تا نیوتون و تا فیزیک نجوم مدرن، غنی تر شدند و از یک ابژه هنری به ابژه علمی تغییر ماهیت دادند. اگر تا قبل از رنسانس و جهان مدرن، این ابژه را در خانواده های مهم اروپایی می توانستید مشاهده نمایید، با تحولات علمی موارد استفاده آن روز به روز گسترده تر و مهمتر گردید و با تحول آن، دریانوردی جهان نیز فراختر از آن چیزی که فکر می‌شد، گردید.

تحولات علمی نقش مهم و اساسی در فهم آدمیان بوجود آورد و این تحولات تا هم اکنون نیز در حال خلق جهان‌های جدید است.

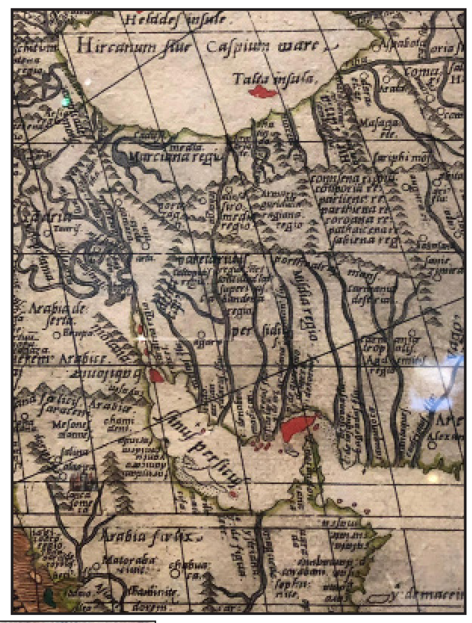
صرف نظر از این مباحث نگاه من (یک انسان قرن بیست و یکمی که درگیری سرزمینی دارد) به این مجموعه بیشتر ابزاری است به این معنا که از این مجموعه چه می‌توان فهمید؟ آیا مکانهای جغرافیایی ما به عنوان پارس ثابت بوده است؟ طبیعی است که پاسخ به این سوالات احتیاج به زمانی طولانی دارد، اما بر اساس این حضور (وجود کره و نقشه ها) ما زیاد درگیر تاریخ نمی شویم و خودمان و موضع گیری منطقی مان را به آن حضور می‌سپاریم.

تحولاتی از این دست در گرچه محدوده جغرافیایی کشورمان و پس از قرون وسطی بسیار زیاد بوده است، اما هیچگاه نام این سرزمین بغیر از پارس نبوده است.

بر این اساس با مشاهده دقیق این نقشه ها و کره ها می‌توان به نام خلیج فارس یا Sinus persicus رسید.

از این بین چند گلوب و نقشه را که وضوح بیشتری داشته اند انتخاب کرده ام که مشاهده می کنید.

*سباستین کابوت سال ۱۵۴۴ میلادی (نقشه)





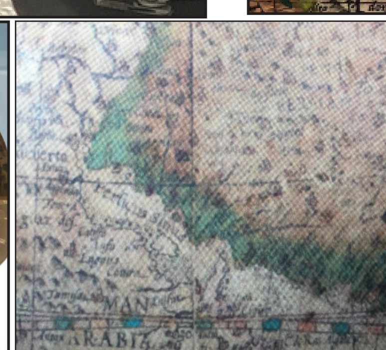
*کریستوف شینپ ۱۵۷۵ (کره زمین)

* ژاکوب هوندیس ۱۶۰۰ (کره زمین)

* ارنولد فلوران ون لانگر ۱۶۳۰ (کره زمین)

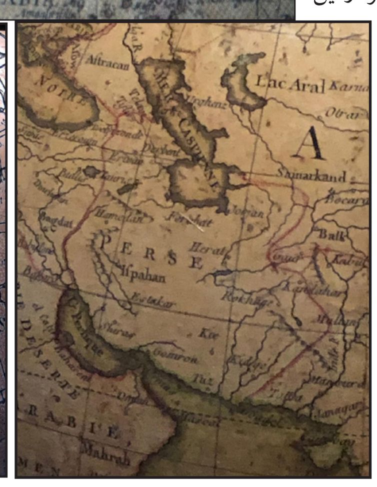
* دیوید روبرت ووگوندی ۱۷۷۳ (کره زمین)

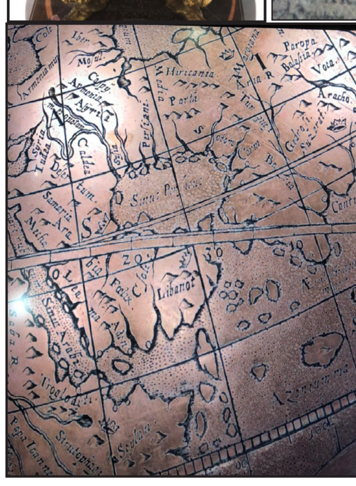
* دی کوبرت بون ۱۷۷۵(کره زمین)



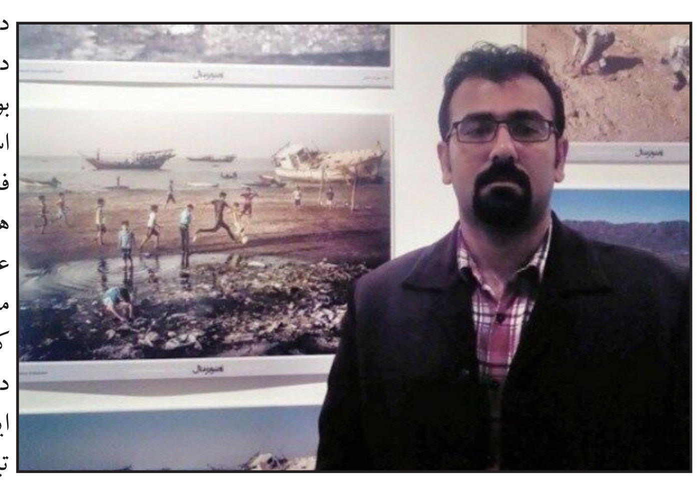








هنرمند بوشهری نماینده عکاسان ایران در نمایشگاه کره جنوبی شد



سعید عرب زاده عکاس هنرمند بوشهری به عنوان نماینده عکاسان ایران در نمایشگاه کره جنوبی حضور یافت.

نمایشگاه "عکاسی معاصر با رویکرد چم انداز" با حمایت بنیاد فرهنگی سونگوان، استودیو پاران، موسسه تحقیقاتی فرهنگی ویژن و دانشگاه کاتولیک بروچئون کشور کره برگزار می شود که این هنرمند بوشهری با عکس هایی از کویر ایران در آن حضور پیدا کرده است.

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بوشهر گفت: در این نمایشگاه هنرمندانی از کشورهای ژاپن، کره جنوبی، انگلستان و ویتنام حضور دارند که ۵ اثر در ابعاد ۱۶ در ۲۰ اینچ از این عکاس بوشهری به نمایش درآمده است.

فاطمه کرم پور افزود: این هنرمند در ۲ نمایشگاه عکس کره جنوبی با تاریخ متفاوت حضور پیدا می کند که نمایشگاه نخست در موزه هنر سونگوانگ اینچئون از تاریخ ۲۵ تیرماه تا ۲ مرداد ماه ۹۸ و نمایشگاه دوم از ۲۶ مردادماه تا ۱ شهریور ماه سال جاری در نمایشگاه "اف" شهر جئونجو کره جنوبی برپا می شود.

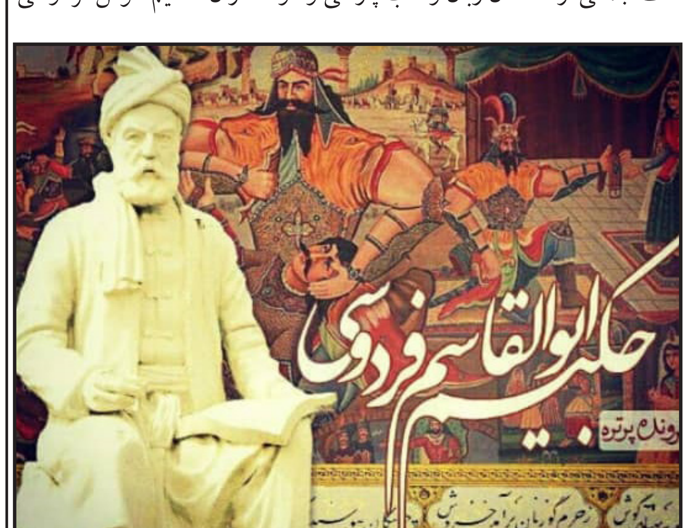
عرب زاده مدرس عکاسی، ویرایش عکس و هنرمند ممتاز فدراسیون بین المللی هنر عکاسی است.

وی داور چندین جشنواره ملی و بین المللی بوده و دارنده بیش از ۶۰ مقام بین المللی است.

همچنین برگزاری ورکشاپ های تخصصی در استان‌های مختلف کشور و خارج از کشور از دیگر فعالیت های هنری این هنرمند عکاس بوشهری است.

محفل دوستداران فردوسی در بوشهر

بیش از پنج سال است که در خدمت جمعی از عاشقان زبان و ادب پارسی و دوستداران حکیم طوس فردوسی سترگ، سه شنبه شبها ساعت ۲۱ در قالب انجمن ادبی کانون بازنشستگان آموزش و پرورش بوشهر در محل ساختمان تاریخی دبیرستان سعادت.



محفلی زیبا و دلنشین با حضور اساتید بزرگواری همچون، آقایان: ابراهیم گرمساری، اکبر نهاری، محمدکاظم حق شناس، رضا معتمد، خلیل موحد و سایر پیشکسوتان بهره مند شده ایم.

شرکت برای عموم علاقمندان آزاد است.

چگونه از کلاهبرداری های مجازی فرار کنیم

رییس پلیس فتا استان بوشهر در خصوص پیشگیری از کلاهبرداری های مالی در فضای مجازی اظهار کرد: برای خریدهای خود یک حساب ویژه با اعتبار محدود داشته باشید تا در صورت سرقت اطلاعات آن، زیاد متضرر نشوید.

سرهنگ مهدی قاسمی با اشاره به تهدیدات فضای مجازی به ایسنا گفت: از طریق هر لینکی که برای پرداخت هزینه برایتان ارسال می شود اقدام به پرداخت نکنید چرا که این لینکها شما را به درگاه های جعلی برای سرقت اطلاعات مالی شما هدایت خواهد کرد.

وی بیان کرد: تمامی کارهای مالی اینترنتی تان را



شخصاً انجام دهید و از واگذاری این کار به دیگران خودداری کنید چرا که برای این کار باید اطلاعات حساب خودتان مثلا رمزهایتان را نیز به آنها واگذار کنید.

رییس پلیس فتا بوشهر تاکید کرد: سعی کنید برای انجام هر خریدی کارت نکشید و در صورت چنین اقدامی حتما رمز کارت را خودتان در دستگاه POS وارد کنید.

سرهنگ قاسمی خاطرنشان کرد: در طول مسافرت و گشت و گذار، میزان پرداختهای خود از طریق دستگاه های کارتخوان دستفروشان به حداقل و در صورت امکان به صفر برسانید.

وی در پایان یادآور شد: پرداخت های اینترنتی خود را از طریق درگاه های معتبر و همراه با کنترل دقیق آدرس آن انجام دهید.

قیمت دلسوزی برای طبیعت چند؟

متخلفان محیط‌بان دشتستانی را زخمی کردند



خبر رسید مرد سبز داستانِ ما چاقو خورده و در بیمارستان بستری شده، آنَ هم به این خاطر که عاشق درختان بوده؛ راستی قیمت دلسوزی برای طبیعت چقدر است؟

به گزارش «صدای استان»؛ ماجرا از این قرار است که چند نفر در حال آتش زدن درختی بوده اند که مردِ سبز قصه‌ی ما از راه می‌رسد و به آنها تذکر می‌دهد که طبیعت را از بین نبرند. بعد هم درگیری اتفاق می‌افتد و ضرب چاقو به میان می‌آید.

رییس حفاظت محیط زیست شهرستان دشتستان در تشریح جزییات این واقعه به ایسنا گفت: آقای "مسعود فربود" با چند نفر روبرو می‌شود که در حال آتش زدن چند درخت هستند، می‌رود و به آنها تذکر می‌دهد که این کار شما درست نیست و این درختان سبز و زنده هستند، و گناه دارند. آنها می‌گویند به تو ربطی ندارد و این درختان در زمین خودمان است، دوست داریم آن را آتش بزنیم، و وقتی قصد می‌کند با دوربین گوشی‌اش از صحنه فیلم بگیرد با او گلاویز می‌شوند و همانجا درگیری بین ایشان رخ می‌دهد.

صادق پورسالم ادامه داد: در طی این درگیری گوش آقای فربود پاره می‌شود و صدمات دیگری نیز به او وارد می کنند، پس از انتقال او به درمانگاه سعدآباد برادر آن شخص ظاهرا با چاقو حمله می کند به او و بعد او را فوری به بیمارستان شهید گنجی برازجان انتقال می دهند و در آنجا به دلیل پارگی گوش توصیه می کنند که او را به بوشهر انتقال دهند و در نهایت مصدوم به بیمارستان شیراز انتقال می‌یابد.

وی بیان کرد: در حال حاضر مصدوم در بیمارستان شیراز بستری می‌باشد، من با پدر آقای فربود صحبت کرده‌ام و حال عمومی ایشان خوب است ولی به دلیل جراحات وارده بر اثر ضربه چاقو و... در اتاق عمل به سر می‌برد.

رییس محیط زیست دشتستان خاطرنشان کرد: شخص مذکور ظاهرا شناسایی شده ولی از وضعیت دستگیری وی اطلاعی ندارم.

پورسالم با اشاره به اهمیت محیط زیست و حفظ آن گفت: آقای "مسعود فربود" از فعالان خوب حوزه محیط زیست در شهرستان دشتستان و رییس هیئت مدیره انجمن دوستداران طبیعت سعدآباد و کسی است که وقت و منابع شخصی‌اش را برای حفظ طبیعت و محیط زیست هزینه کرده است.

این مسئول محیط زیستی اضافه کرد: متاسفانه امروزه آسیب به محیط زیست و طبیعت پیرامونی به شکل یک معضل مطرح است. فرهنگ عمومی زیست محیطی جامعه ما نباید اینقدر پایین باشد که اگر به کسی برای آتش زدن یک درخت تذکر می‌دهند موضوع به درگیری بیانجامد و تذکر دهنده را مورد ضرب و شتم قرار دهند. امیدوارم روزی فرهنگ ما آنقدر غنی شود که دیگر شاهد چنین اتفاقاتی نباشیم و مردم همه طرفدار و فعال محیط زیست باشند.

بنا بر اعلام یک منبع آگاه در این درگیری هر دو طرف دچار مصدومیت شده و در مراکز درمانی تحت مداوا می‌باشند، شخص خاطی در زمین خودش واقع در سعدآباد در حال آتش زدن درختی بوده که به دلیل تذکر گرفتن از سوی فعال محیط زیستی با هم درگیر می‌شوند. در حال حاضر نیز هر دو تحت درمان هستند و پس از بهبودی و کسب اطمینان از سلامت ایشان روال قضایی دنبال خواهد شد.